

خیزش‌های مردمی خاورمیانه و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران

کد موضوعی: ۲۶۰

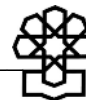
شماره مسلسل: ۱۰۷۴۷

فروردین‌ماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| چکیده | ۱ |
| مقدمه | ۲ |
| گفتار اول - تفکیک خیزش‌های مردمی منطقه از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران | ۳ |
| ۱-۱. اولین دسته‌بندی خیزش‌های مردم منطقه | ۳ |
| ۱-۲. دومین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه | ۹ |
| ۱-۳. سومین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه | ۹ |
| ۱-۴. چهارمین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه | ۱۰ |
| ۱-۵. پنجمین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه | ۱۱ |
| گفتار دوم - خیزش‌های مردمی منطقه و ملاحظات جمهوری اسلامی ایران | ۱۱ |
| ۲-۱. شکل‌گیری حوزه‌های جدیدی از تقابل جمهوری اسلامی ایران، عربستان و ایالات متحده ... | ۱۱ |
| ۲-۲. اثرگذاری بر توافقنامه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران با برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس | ۱۳ |
| ۲-۳. کاهش اهمیت موضوع هسته‌ای در کوتاه‌مدت | ۱۴ |
| ۲-۴. افزایش احتمال تغییر در ساختار امنیتی خلیج فارس | ۱۵ |
| ۲-۵. اثبات رویکرد گزینشی آمریکا برای دفاع از هنجارهای بشردوستانه | ۱۸ |
| ۲-۶. افزایش اهمیت شبکه‌های اجتماعی در معادلات امنیت داخلی و منطقه‌ای | ۱۹ |
| ۲-۷. افزایش آینده‌های تبلیغاتی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا | ۲۰ |
| ۲-۸. تغییر آرایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه جدید و شمال آفریقا | ۲۲ |
| ۲-۹. پررنگ شدن مداخلات بشردوستانه در دکترین امنیتی ناتو | ۲۶ |
| ۲-۱۰. ضرورت بازتعریف جغرافیای سیاسی شیعه در ساختار امنیتی خاورمیانه جدید | ۲۷ |
| ۲-۱۱. اشراف نسبی آمریکا از شیب و جهت خیزش‌های مردمی منطقه | ۲۸ |
| ۲-۱۲. پررنگ شدن نظریه دولت ناکام در دکترین امنیتی ایالات متحده | ۲۹ |
| ۲-۱۳. افزایش اهمیت مقوله‌های حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در معادلات امنیت ملی ... | ۲۹ |
| ۲-۱۴. احتمال گسترش خیزش‌های مردمی به جمهوری‌های آذربایجان | ۳۰ |
| ۲-۱۵. افزایش اهمیت جایگاه ایران در تأمین انرژی پایدار | ۳۰ |
| نتیجه‌گیری | ۳۰ |
| منابع و مأخذ | ۳۵ |



خیزش‌های مردمی خاورمیانه و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا به‌ویژه در کشورهایمانند بحرین همانند شمشیر داموکلس دارای پتانسیل تولید فرصت و تهدید راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران است. این تحولات جدا از اهمیت، حساسیت و تأثیرگذاری بالای آن بر ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در سطوح منطقه‌ای نیز بازخوردهای خاص خود را خواهد داشت، به‌طوری‌که روندکامیابی این خیزش‌ها، مبین این واقعیت است که در میان‌مدت خاورمیانه جدیدی در شرف شکل‌گیری است که با ساختار فعلی تفاوت‌های قابل توجهی خواهد داشت.^۱ بخش قابل توجهی از این تغییرات پیشتر توسط مقام معظم رهبری با مطرح کردن «خاورمیانه اسلامی» پیش‌بینی شده بود. ایشان در دیدار با شرکت‌کنندگان افتتاحیه همایش غزه مورخ ۸ اسفندماه ۱۳۸۸ فرمودند «براساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت. این خاورمیانه، خاورمیانه اسلامی خواهد بود».^۲

به یقین یکی از دلایل بنیادین این خیزش‌ها که در نگاه رهبر معظم انقلاب در ابتدای خیزش‌ها مطرح شد، تحقیر تاریخی توده‌های مردم این کشورها در مقابل قدرت‌های فرامنطقه‌ای و رژیم صهیونیستی بود که پس از شکست‌های مکرر اعراب در مقابل اسرائیل و سکوت دولت‌های عرب منطقه در قبال قرارداد کمپ دیوید و جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه بر شدت آن افزوده شد. آنچه مسلم است، آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلیس، فرانسه و سایر بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان با سوار شدن بر امواج خیزش‌های ناشی از بیداری اسلامی، برنامه‌ریزی می‌کنند تا شیب و جهت بازی را به سمت اهداف موردنظر خود هدایت کنند. در این میان ایالات متحده نقش مدیریتی و عربستان وظیفه صحنه‌پردازی را برعهده دارد. به‌تبع هرگونه غفلت جمهوری اسلامی ایران از

۱. برخی نهادهای پژوهشی غرب به‌جای خیزش‌های مردمی، عبارت سونامی را به‌کار برده‌اند. سونامی تداعی‌کننده یک پدیده آنی و گذراست، درحالی‌که اکثر خیزش‌های مردمی اخیر از پشتوانه تاریخی و عقبه‌ای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. به همین دلیل نمی‌توان اصطلاح سونامی را به آنها نسبت داد.

۲. برای مشاهده متن کامل بیانات ایشان به نشانی اینترنتی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری رجوع شود:



سناریوهای آمریکا می‌تواند آستانه بروز تهدیدهای راهبردی در میان‌مدت بوده و هزینه‌های بالایی را به نظام تحمیل کند. به همین دلیل ریشه‌یابی، جریان‌شناسی و آینده‌پژوهی راهبردی این خیزش‌ها، باید به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت ملی، مورد توجه نهادهای ذیربط قرار گیرند. برخی از این تحولات مانند خیزش‌های مصر، اردن، یمن و سوریه در دومین حلقه منظومه امنیتی و برخی دیگر مانند بحرین، عمان و کویت در مجاورت سرزمین جمهوری اسلامی ایران واقع شده‌اند. به همین دلیل نهادهای ذیربط باید خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا را در دو قالب مطالعات موردی (کشور به کشور) و بررسی تغییرات در شمای کلی مورد کالبدشکافی قرار دهند.

مقدمه

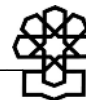
یکی از الزامات مدیریت امنیت راهبردی، روندکاوی و آسیب‌شناسی دقیق تغییرات بنیادین سیاسی - اجتماعی است که در جغرافیای امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوسته یا در حال شکل‌گیری است. یکی از این موارد خیزش‌هایی است که به‌صورت اعتراضات زنجیره‌ای در شعاع دایره امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حال وقوع هستند.

تمام این خیزش‌ها در کشورهای شکل گرفته که دارای رژیم‌های پلیسی یا استبدادی هستند که ساختار این رژیم‌ها خود به یکی از کاتالیزورهای مهم شکل‌گیری اعتراضات تبدیل شده است. برخی نظریه‌پردازان، گسترش خیزش‌های مردم منطقه را در راستای نظریه دومینو تفسیر می‌کنند که در آن هرگونه موفقیت معترضان برای تغییر نظام سیاسی رژیم‌های خودکامه، می‌تواند به سایر نظام‌های مستبد منطقه نیز سرایت کند.

بستر شکل‌گیری اعتراضات گسترده در کشورهای عرب خاورمیانه و شمال آفریقا به‌دلیل انباشته شدن تراکمی از محرومیت‌ها از مدت‌ها قبل فراهم شده بود. نبود زیرساخت‌های لازم، عدم آمادگی حاکمان و مقاومت دولت‌های مستبد برای همراه‌سازی خود با امواج خروشان خیزش‌های مردمی از کاتالیزورهای هستند که روند گسترش اعتراضات را تسهیل کردند و «جنبش یاسمن تونس»^۱ در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰، جرقه لازم برای انفجار مطالبات مردمی را به‌وجود آورد. هرچند سرچشمه تغییرات سیاسی شمال آفریقا را باید از زمان تجزیه سودان به دو بخش شمالی و جنوبی بررسی کرد.

1. Tunisia's Jasmine Movement

سقوط حکومت و فرار رئیس‌جمهور «زین‌العابدین بن علی» و خانواده‌اش در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ از پیامدهای جنبش یاسمن تونس بود.



گفتار اول - تفکیک خیزش‌های مردمی منطقه از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

به‌منظور آسیب‌شناسی دقیق ابعاد و پیامد خیزش‌های مردمی منطقه و پیشگیری از تولید بحران‌های موازی، جمهوری اسلامی ایران بایسته است پژوهش‌های امنیتی مرتبط با این خیزش‌ها را در پنج بخش زیر تفکیک و دسته‌بندی کرد:

۱-۱. اولین دسته‌بندی خیزش‌های مردم منطقه

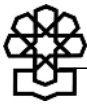
خیزش‌های مردم بحرین و با درجه پایین‌تر یمن، به‌صورت توأمان پتانسیل تولید تهدید و فرصت را دارند، به‌طوری که در صورت مدیریت عقلایی و به‌کارگیری مناسب ابزارهای نفوذ، جایگاه و موقعیت جمهوری اسلامی ایران را در ترتیبات منطقه‌ای ارتقا خواهند داد و برعکس هرگونه غفلت از تحلیل راهبردی و فرابخشی می‌تواند مخاطراتی را برای امنیت ملی به‌وجود آورد. خیزش‌هایی که در این دسته‌بندی جای می‌گیرند، به‌صورت مستقیم بر هدف غایی جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز که تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای خاورمیانه است، تأثیرگذارند.

الف) بحرین

جمهوری اسلامی ایران باید دورنمای شیب، جهت و سرعت گسترش اعتراضات مردم بحرین را در قالب مدیریت استراتژیک بررسی کند و هر نوع بخشی‌نگری می‌تواند منجر به خطای راهبردی شود. روندکاوی خیزش مردم بحرین از موضوع‌هایی است که با پازل‌ها و نقاط تاریک متعددی روبرو است که به‌تبع برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران برای ورود به بازی را با ملاحظات بیشتری همراه می‌سازد. به همین دلیل باید قبل از ورود به بازی، وزن فرصت‌ها و تهدیدهای سناریوهای پیش‌رو را به دقت ارزیابی کرد.

سفر پنج روزه رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا - دریادار مایکل مولن^۱ - در ۲۰ فوریه ۲۰۱۱ به فلسطین اشغالی، اردن، عربستان سعودی، قطر، امارات، کویت و متعاقب آن سفر خاورمیانه‌ای وزیر دفاع آمریکا در ۱۱ و ۱۲ مارس ۲۰۱۱ و دیدار با پادشاه بحرین - حمد بن عیسی آل‌خلیفه - این سناریو را تقویت می‌کند که برخی تحولات بحرین با مدیریت و صحنه‌پردازی ایالات متحده و اجرای عربستان سازماندهی و از قبل برنامه‌ریزی شده باشند، به‌ویژه اینکه تصمیم ریاض برای اعزام نیرو به بحرین دو روز پس از سفر وزیر دفاع آمریکا به منطقه انجام شد که بیانگر چراغ سبز واشنگتن به عربستان برای اعزام نیرو به بحرین بود. اهمیت جایگاه بحرین در معادلات امنیتی ایالات متحده به حدی است که در سفر خاورمیانه‌ای مایک مولن و رابرت گیتس، مهمترین محور

1. Admiral Michael Mullen, 17th Chairman of the Joint Chiefs of Staff (CJCS)



مذاکرات بحرین بود.^۱

یکی از طرفندهای ایالات متحده، برجسته‌سازی جایگاه بحرین در سیاست خارجی عربستان است. به طوری که در رایزنی‌های فشرده خود با ریاض با ادعای نزدیک بودن آستانه موفقیت جمهوری اسلامی ایران برای به قدرت رساندن یک دولت شیعی در بحرین و بزرگنمایی قریب‌الوقوع بودن شکل‌گیری تهدید جدی برای عربستان، بخشی از سناریوی خاورمیانه‌ای خود را با قرار گرفتن در پشت عربستان برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند.

اظهارات «مطلق بن سالم الأذیمع» فرمانده «نیروهای سپر جزیره»^۲ در بحرین مبنی بر حضور این نیروها تا پایان رفع تهدید خارجی، بیانگر تأثیرپذیری عربستان از آینده‌های تبلیغاتی ایران‌هراسی و پررنگ شدن سناریوی برنامه‌ریزی عربستان برای حضور نظامی طولانی‌مدت در این کشور است.^۳

بزرگ‌ترین راهپیمایی اعتراض‌آمیز تاریخ بحرین در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ برگزار شد. بحرین در ابتدا رویکرد مصالحه‌آمیزی را در برابر معترضان در پیش گرفته بود که موافقت با آزادی زندانیان سیاسی، برکناری چهار وزیر دولت و بخشودگی ۲۵ درصد از بدهی مسکن شهروندان در این چارچوب قابل ارزیابی است، ولی سپس با تغییر رفتار ناگهانی وارد رویکرد تقابل شد. ورود هزار نظامی اماراتی و دو هزار نظامی عربستانی در قالب نیروهای سپر شبه‌جزیره، برگزاری حکومت نظامی و برقراری سه ماه حالت اضطراری از پیامدهای تغییر استراتژی منامه محسوب می‌شوند.^۴ تغییر ناگهانی رفتار منامه در قبال معترضان نیز یکی از کدهایی است که احتمال وجود سناریویی از پیش طراحی شده را پررنگ‌تر می‌کند. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران باید به دقت دلایل و اهداف تغییر ناگهانی رفتار منامه را از منظر امنیت ملی بررسی کند.

اولین دوره تنش سیاسی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی در حوزه بحرین، در ۶ مارس ۲۰۰۹ (۱۴ اسفندماه ۱۳۸۷) اتفاق افتاد که در آن مقطع پادشاه مراکش با ادعای دفاع از تمامیت ارضی بحرین و اتخاذ واکنش مناسب در قبال حمایت تهران از گسترش مذهب تشیع در این کشور، فرمان قطع روابط با جمهوری اسلامی ایران را صادر کرد. ادعای مراکش در حالی بود که ۹۹ درصد جمعیت این کشور را سنی‌ها شامل می‌شوند و اقدام این کشور به‌منظور تحریک کشورهای

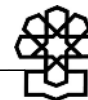
1. Gates Tries to Soothe Saudis Rattled by Unrest, <http://www.thestate.com>, 6 April, 2011.

2. Peninsula Shield Force (PSF)

نیروهای سپر شبه‌جزیره متشکل از عربستان، امارات، کویت، قطر، بحرین و عمان با هدف تشکیل ساختار دفاعی مشترک در نوامبر ۱۹۸۲ و در سومین نشست شورای همکاری خلیج فارس در منامه پایتخت بحرین تشکیل شد. سپر شبه‌جزیره نزدیک به ۴۰ هزار نیرو دارد و پایگاه دائمی آن در شهر سلطان خالد است.

3. Mutlaq Bin Salem al – Azima: GCC Troops to Stay in Bahrain Till Warding off Threats, www.alarabiya.net, 23 March, 2011.

4. The Bahrain Protest, <http://topics.nytimes.com>, 3 April, 2011.



عربی بود که دارای جمعیت قابل توجه شیعه هستند.^۱

موقعیت جغرافیایی، ساختار جمعیتی - طایفه‌ای، حکمرانی حاکمان سنی بر اکثریت شیعه، خودکامگی حاکمان، عدم مشارکت‌دهی شیعیان در تسهیم قدرت و استقرار مرکز فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا از عواملی هستند که زمینه بروز اعتراضات سیاسی در بحرین را به وجود آوردند.

بحرین به‌عنوان یکی از «متحدان غیر عضو ناتو»^۲ و در قالب «ابتکار همکاری‌های استانبول»^۳ توافقنامه امنیتی را با این سازمان در ۲۴ مارس ۲۰۰۸ منعقد کرده که یکی از اهداف آن، نظارت بر خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به بهانه حسن اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت است که در صورت تعمیم به سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌تواند فضای تنفسی و عمق راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس را کاهش دهد.^۴

بنابر اطلاعیه سفارت بحرین در آمریکا، مقابله با تروریسم، امنیت مرزی، تبادل اطلاعات طبقه‌بندی شده، مشارکت در رزمایش‌های نظامی و مقابله با تکثیر تسلیحات کشتار جمعی، پنج محور توافقنامه امنیتی بحرین و ناتو هستند. ناتو به غیر از بحرین با سه کشور کویت، امارات و قطر نیز توافقنامه ابتکار امنیتی استانبول را منعقد کرده است.^۵

بنابر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا مورخ ۲۱ مارس ۲۰۱۱، هرگونه تغییر احتمالی معادلات قدرت و به قدرت رسیدن یک دولت شیعی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران به‌صورت جدی با اولویت امنیتی آمریکا در ترتیبات نظامی خلیج فارس مغایرت دارد و هرگونه تداوم بی‌ثباتی سیاسی - امنیتی، احتمال بازنگری و اشنگتن برای تغییر جغرافیای نظامی مرکز فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا را افزایش خواهد داد.^۶ بحرین همچنین یکی از کانون‌های مهم فعالیت‌های بانکی و مالی منطقه‌ای است و تداوم بی‌ثباتی در آن نوعی زلزله را در نظام مالی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به وجود آورده است.

1. Iran: Morocco's Severing of Ties' Questionable, <http://archive.arabnews.com>, 8 March, 2009.

2. Major Non – NATO Ally

3. Istanbul Cooperation Initiative (ICI)

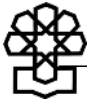
ابتکار همکاری‌های استانبول در اجلاس سران ناتو مورخ ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴ در استانبول ترکیه شکل گرفت و کانون تمرکز آن بیشتر متوجه تقویت حوزه نفوذ ناتو در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس است. این ابتکار در کنار «گفتگوهای مدیترانه‌ای» و طرح «مشارکت برای صلح» از ابزارهای ناتو برای گسترش حوزه نفوذ در خاورمیانه محسوب می‌شوند.

4. Bahrain & NATO Sign Security Deal, <http://www.bahrainembassy.org>, 20 May, 2008.

۵. برای مشاهده فهرست کامل ترتیبات امنیتی ناتو به نشانی اینترنتی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی رجوع شود:

Partner Countries, <http://www.nato.int/cps/en/natolive/51288.htm>

۶. برای مشاهده متن کامل گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا در رابطه با ناآرامی‌های بحرین به نشانی اینترنتی زیر رجوع شود:
Kenneth Katzman, "Bahrain: Reform, Security and U.S. Policy", Congressional Research Service Report, <http://www.fas.org>, 21 March, 2011.



ب) یمن

یکی دیگر از کشورهایی که در دومین حلقه منظومه امنیتی جمهوری اسلامی ایران واقع شده و تحولات آن به صورت غیرمستقیم بر معادلات امنیتی خلیج فارس تأثیرگذار است، کشور یمن است. یکی از دلایل شکل‌گیری اعتراضات در یمن، عدم تناسب بین رشد بالای جمعیت و توسعه شاخص‌های انسانی است. به طوری که براساس گزارش «شاخص‌های توسعه برنامه انسانی سازمان ملل»^۱ در سال ۲۰۰۹، این کشور از بین ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۴۰ قرار گرفت. یمن بخش قابل توجهی از نیازهای خود را به واسطه کمک‌های عربستان تأمین می‌کند و بدیهی است که رویکرد سیاست خارجی آن تا حدود زیادی با ریاض همسو باشد.

علی عبدالله صالح از سال ۱۹۷۸ رئیس‌جمهور یمن شمالی و از سال ۱۹۹۰ رئیس‌جمهور یمن شد و در دوران ریاست‌جمهوری خود نظام سیاسی استبدادی را برقرار نموده که در کنار فقر اقتصادی و انسانی، به کاتالیزوری برای ایجاد و گسترش خیزش‌های مردمی تبدیل شده است. استعفای مبارک، تأثیر زیادی بر خیزش‌های مردم یمن گذاشت به طوری که پنج روز پس از آن، موج خیزش‌های دانشجویی در این کشور آغاز شد. اولین تأثیر خیزش‌های مردم یمن بر تصمیم‌گیری علی عبدالله صالح در ۲ فوریه ۲۰۱۱ اتفاق افتاد که اعلام کرد در پایان دوره هفت‌ساله ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۳ مجدداً در انتخابات شرکت نخواهد کرد.

یمن متأثر از یک بافت قبیله‌ای است که این امر ضرورت شناخت دقیق نهادهای زیربند از مختصات فرهنگی - اجتماعی این کشور را افزایش می‌دهد. سکوت ایالات متحده در برابر اقدام‌های ضدبشری در بحرین، چراغ سبزی به رئیس‌جمهور یمن برای سرکوب معترضان بود. از طرفی تمرکز آمریکا و حاکمان این کشور به خیزش‌های مردمی، فرصتی را برای تجدید قوای شاخه سازمان القاعده در شبه‌جزیره عرب، شمال آفریقا و خاورمیانه عربی به وجود آورده است. به‌ویژه اینکه با استناد به اظهارات جف مورل - سخنگوی مطبوعاتی پنتاگون -^۲ در ۵ آوریل ۲۰۱۱، این کشور کانون آموزش و تربیت «شاخه القاعده در شبه‌جزیره عربی»^۳ محسوب می‌شود. وی همچنین اعلام کرد «با وجود اعتراضات مردم یمن، پنتاگون کمک نظامی خود به دولت علی عبدالله صالح را در سال مالی ۲۰۱۱ به دو برابر افزایش می‌دهد».^۴

اظهارات سخنگوی پنتاگون بیانگر این واقعیت است که واشنگتن در کوتاه‌مدت جایگزینی را

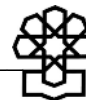
1. United Nations Development Programs Human Development Index

2. Geoff Morrell, the Pentagon's Press Secretary

3. Al-Qaeda in the Arabian Peninsula (AQAP)

۴. برای مشاهده متن کامل مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی پنتاگون به نشانی اینترنتی وزارت دفاع آمریکا رجوع شود:

Office of the Assistant Secretary of Defense, DOD News Briefing with Geoff Morrell from the Pentagon, <http://www.defense.gov>, 5 April, 2011.



برای دولت فعلی یمن برنامه‌ریزی نکرده است. سکوت واشنگتن در برابر سرکوب معترضان نیز از همین منظر قابل تحلیل است. با این وجود این سناریو محتمل است که واشنگتن در میان‌مدت و در صورت تداوم و گسترش اعتراضات مردمی، با بهانه تولید امنیت پیشگیرانه در برابر نیروهای القاعده، مقابله با تهدید صلح و امنیت منطقه‌ای و با برجسته‌سازی دولت ناکارآمد، مقدمه حضور نظامی خود را در این کشور به‌وجود آورد.

ملاحظات واشنگتن برای تثبیت موقعیت نظامی خود در یمن به‌ویژه پس از افزایش درجه ریسک مرکز فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین، افزایش یافته است. یکی از علل آنی که مبین پررنگ شدن جایگاه یمن در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکاست، افزایش سالیانه کمک‌های کنگره به این کشور است. به‌طوری که بنابر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا، میزان کمک آمریکا به یمن بین سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۱۱ به‌صورت ذیل بوده است:

جدول ۱. کمک‌های مالی آمریکا به یمن بین سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۱۱^۱

(ارقام به میلیون دلار)

| سال | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۹ | ۲۰۱۰ | ۲۰۱۱ |
|--------------------------|-------|-------|-------|-------|-------|--------|
| میزان کمک سالیانه آمریکا | ۱۸۷۰۰ | ۲۵۳۳۶ | ۱۸۱۷۷ | ۳۰۵۲۵ | ۵۸۴۰۰ | ۱۰۶۶۰۰ |

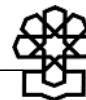
افزایش کمک‌های مالی به غیر از سال ۲۰۰۸

1. Nina M. Serafino, "Security Assistance Reform, Background & Issues for Congress", Congressional Research Service, <http://www.fas.org>



جدول ۲. جریان‌شناسی خیزش‌های مردم بحرین و یمن

| کشور | تاریخ شروع اعتراض | احزاب و رهبران مخالف | اهداف معترضان | کانون درگیری‌ها | مشخصات خیزش | اهمیت خیزش‌های مردمی | پیامدها |
|-------|-------------------|---|--|------------------------------------|--|---|--|
| یمن | ۱۶ ژانویه ۲۰۱۱ | - عبدالملک بدرالدین الحوثی، رهبر جنبش الحوثی - محمد الیدومی - رئیس حزب اسلامی (اصلاح) - عبدالغنی اریانی - شیخ عبدالمجید الزندان | پایان حکومت ۳۲ ساله علی عبدالله صالح | - میدان التغيير صنعا - شهر مکلا | - آغاز کشتار معترضان در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ - نقش بالای فقر اقتصادی و انسانی در بروز خیزش | - احتمال تجدید قوای سازمان القاعده - جایگاه بالای جغرافیای نظامی یمن به دلیل اهمیت راهبردی بندر باب‌المندب و خلیج عدن | - انصراف علی عبدالله صالح و پسرش برای کاندیدا شدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۳ - بازنگری آمریکا در تأسیس مراکز نظامی جدید در یمن - احتمال مداخله نظامی آمریکا به بهانه مقابله با القاعده |
| بحرین | ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ | - حزب شیعه وفاق - حسن مشیمه (رهبر تبعیدی در انگلیس) - آیت‌الله حسین میرزا النجاتی - شیخ عیسی قاسم - از مراجع تقلید بحرین | - مشارکت شیعیان در قدرت به میزان جمعیت (۷۰ درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند) - کاهش اختیارات شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه | میدان اللؤلؤ (میدان مروارید) | - برجسته بودن شیعه‌ستیزی - به‌کارگیری گلوله‌های ساچمه‌ای و پلاستیکی برای سرکوب معترضان - حمایت آمریکا از حفظ وضع موجود | - اهمیت نظامی برای واشنگتن به دلیل وجود مرکز فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا - وجود اکثریت شیعه - برنامه‌ریزی هدفمند تبلیغاتی و سیاسی ایالات متحده برای برجسته‌سازی و کاریکاتوریسم تبلیغاتی از نقش جمهوری اسلامی ایران در اعتراضات مردمی بحرین | - افزایش تنش بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان - برگزاری سه ماهه حالت فوق‌العاده در بحرین - قطع روابط سیاسی بین تهران و منامه - افزایش شیعه‌ستیزی در بحرین - برنامه‌ریزی منامه برای آمایش جمعیتی شیعیان از طریق دادن تابعیت به سنی‌های امارات، عربستان و پاکستان |



۲-۱. دومین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه

در این دسته‌بندی خیزش‌هایی قرار می‌گیرند که به وقوع پیوسته و کانون رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به سمت مزیت‌سازی حداکثری یا حداقل‌رسانی هزینه‌ها متمرکز شده است. در این بسته پژوهشی باید کشورهای مصر و تونس مورد بررسی قرار گیرند. به‌تبع در این بخش بازیگرانی موفق‌ترند که ارزیابی دقیق‌تری از مختصات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشورها داشته باشند. زیرا در عین اینکه تغییر رفتار سیاست خارجی و امنیتی این کشورها محسوس است، ولی ساختارهای نظامی و اطلاعاتی دچار تغییرات محسوس نشده‌اند. جنبش مردمی مصر با خودسوزی یک نفر در مقابل پارلمان در ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱ با کپی‌برداری از جنبش تونس آغاز شد. متعاقب آن با خودسوزی چهار شخص دیگر و اظهارات محمد البرادعی در ۲۴ ژانویه، مقدمه برگزاری تجمع گسترده در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در میدان التحرير قاهره آغاز و سرانجام در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ به سقوط دولت حسنی مبارک منجر شد. وجود عقلانیت در نحوه برخورد ارتش با معترضان و انطباق سریع ارتش با تحولات داخلی با هدف پیشگیری از افزایش مطالبات مردمی، نقش مهمی را در عدم تغییر بنیادین ساختارهای مصر ایفا کرد.

۳-۱. سومین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه

خیزش مردم لیبی که اهداف بازیگران در آن با نوعی ابهام سیاسی - اطلاعاتی مواجه است در این دسته‌بندی قرار می‌گیرد. سیاست آمریکا و ناتو در مورد لیبی ظاهراً دچار نوسان و مشکل در تشخیص نوع دخالت و اثرگذاری در روند تحولات جاری است. این احتمال وجود دارد که به قدرت رسیدن دولت انتقالی انقلابیون، چتر نفوذ واشنگتن در شمال آفریقا و کشور نفت‌خیز لیبی (سومین صادرکننده نفت قاره آفریقا) را گسترش دهد. از طرفی جمهوری اسلامی ایران به دلیل سیاست‌های ضدبشری معمر قذافی علیه معترضان نمی‌تواند از دولت وی حمایت کند.



جدول ۳. جریان‌شناسی خیزش مردم لیبی

| تاریخ شروع اعتراض | رهبر معترضان | کانون درگیری‌ها | مشخصات خیزش | اهمیت خیزش‌های مردمی | پیامدها |
|-------------------|--|--|--|--|--|
| ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ | - فتحی تربیل ^۱ رهبر مخالفان در بندر بنغازی (مهمترین هدف معترضان پایان حکومت استبدادی ۴۰ ساله معمر قذافی است که از سال ۱۹۶۹ با کودتای نظامی قدرت را در اختیار گرفته است) | - بندر بنغازی، (دومین شهر بزرگ لیبی) و شهرهای اجدابیا، مصراته و الییدا | - آغاز خیزش‌های مردمی سه روز پس از سقوط حکومت حسنی مبارک - تبدیل خیزش‌های مردمی به جنگ داخلی - استخدام مزدور از کشور چاد توسط دولت قذافی | - برخورداری لیبی از منابع غنی نفتی - مجاورت سرزمینی با اروپا - ابهام پیرامون احتمال به‌کارگیری موشک‌های اسکاگ یا تسلیحات شیمیایی علیه اهدافی در اروپا توسط قذافی - احتمال شکل‌گیری یک منطقه خودمختار در شمال لیبی - افزایش قیمت نفت به دلیل کاهش بارگیری از سومین تولیدکننده بزرگ نفت آفریقا | - تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ و به‌کار بردن عبارت «تمام اقدام‌های ضروری» ^۲ برای حفظ جان شهروندان - موافقت ناتو برای به‌دست‌گیری رهبری عملیات نظامی در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ - تصرف شرق لیبی به‌دست انقلابیون، استعفای وزرای دادگستری و کشور و بسیاری از سـفـرا و دیپلمات‌ها |

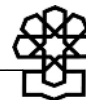
۴-۱. چهارمین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه

خیزش‌هایی که احتمال ایجاد یا گسترش آن در میان مدت وجود دارد و در صورت ریشه یافتن و فراگیر شدن شاخه‌های اعتراض می‌تواند به‌صورت مستقیم منافع استراتژیک منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را تهدید نماید. در این بسته پژوهشی باید خیزش‌های مردم سوریه مورد بررسی قرار گیرد.

خیزش‌های مردم سوریه از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد و کانون درگیری‌ها در جنوب این کشور در بندر لاذقیه و شهر درعاست.

یکی از اهداف معترضان، لغو قانون وضعیت فوق‌العاده است که از مارس ۱۹۶۳ در کشور اجرا می‌شود. با توجه به روابط راهبردی تهران و دمشق، نهادهای زیربند باید سناریوهای حاصل از گسترش ناآرامی به سایر شهرهای سوریه و تأثیر آن بر منافع خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در تعاملات خود با حزب‌الله لبنان را از منظر امنیت ملی بررسی کند.

1. Fathi Terbil
2. All Necessary Measures



۵-۱. پنجمین دسته‌بندی خیزش‌های مردمی منطقه

خیزش‌هایی که هنوز به وقوع نپیوسته ولی بذر آن در زیر خاک پنهان مانده و از پتانسیل لازم برای ریشه یافتن و منشعب شدن شاخه‌های اعتراض برخوردارند. در این بسته پژوهشی باید جمهوری آذربایجان را قرار داد که به دلیل روابط نظامی - اطلاعاتی این جمهوری با ایالات متحده و اسرائیل، هرگونه کاتالیزوری که بتواند روند به قدرت رسیدن یک دولت شیعی مخالف غرب را تسریع کند در راستای مزیت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

از مطالب فوق نتیجه گرفته می‌شود رویکرد جمهوری اسلامی ایران به خیزش‌های منطقه باید به صورت گزینشی و مبتنی بر به‌کارگیری ترکیبی از دیپلماسی عیان و پنهان باشد. برای مثال در مورد حمایت از خیزش‌های شیعیان عربستان رویکرد جمهوری اسلامی ایران باید به صورت محتاطانه، دقیق و مبتنی بر دیپلماسی پنهان، ولی در مورد یمن حمایت از معترضان باید به صراحت باشد. از طرفی به دلیل اینکه خیزش‌ها در حال شکل‌گیری و گسترش بوده و بازخورد آنها مدت‌ها بر راهبرد سیاست خارجی و امنیتی کشورهای منطقه ماندگار خواهد بود، گمانه‌زنی و اتخاذ تدابیر لازم برای کمرنگ‌سازی تحقق سناریوهای تهدیدزا و تقویت احتمال پیاده‌سازی سناریوهای مطلوب از اهمیت بالایی برخوردار است.

گفتار دوم - خیزش‌های مردمی منطقه و ملاحظات جمهوری اسلامی ایران

برخی ملاحظات جمهوری اسلامی ایران در قبال خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا عبارتند از:

۱-۲. شکل‌گیری حوزه‌های جدیدی از تقابل جمهوری اسلامی ایران، عربستان و ایالات متحده

تداوم بی‌ثباتی در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس این امکان را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده تا با ریسک پایین و با مدیریت عقلایی، گزینشی و تقویت رویکرد استراتژیک بتواند فرصت تغییر موازنه قوا را در منطقه به وجود آورد. برای مثال درگیر شدن عربستان در مشکلات داخلی مانند ناآرامی‌های مناطق نفت‌خیز شیعه‌نشین احسا، قطیف و نجران، بحران رهبری (بیماری ملک عبدالله و ابتلای ولیعهد شاهزاده بن عبدالعزیز به سرطان) و خیزش‌های مردم تا حدود زیادی تمرکز این کشور را از معادلات عراق و لبنان خارج کرده است. فروپاشی دولت سعد حریری به عنوان متحد عربستان در لبنان ضربه دیگری بود که بر این کشور وارد شد. برعکس مصر و تونس که بخش قابل توجهی از اعتراضات آن ریشه داخلی داشت و



ساختارهای آن بدون تغییر ماندند، بحرین به کانون رقابت سه کشور ایران، عربستان و ایالات متحده تبدیل شده و پتانسیل تغییر ترتیبات منطقه‌ای در میان مدت را دارد.

یکی از دغدغه‌های عربستان سعودی، افزایش احتمال شکل‌گیری خودجوش هسته‌های مقاومت با الگوبرداری از مدل حزب‌الله لبنان در بحرین و یمن و به تبع افزایش حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در حیات خلوت عربستان است که این خود یکی از انگیزه‌های ریاض برای اعزام نیرو به بحرین و سرکوب خونین شیعیان این کشور می‌باشد. در این راستا امارات با اعزام هزار نیرو و کویت نیز با اعزام ناوگان دریایی به اطراف بحرین با عربستان همراه شده‌اند. همزمان دورنمای تحولات بحرین برای ایالات متحده نیز از منظر تولید امنیت یا تهدید استراتژیک بسیار حائز اهمیت است، به‌ویژه با خروج نیروهای آمریکایی از عراق تا پایان دسامبر ۲۰۱۱، ضرورت تثبیت استقرار فرماندهی «ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا»^۱ در بحرین برای واشنگتن افزوده شده است.

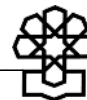
رویکرد عربستان به جای مهار اعتراضات داخلی به سمت تثبیت قدرت در سطح منطقه‌ای متمرکز شده است. در این راستا مهمترین دلایل حضور عربستان در بحرین عبارتند از:

- فرافکنی مشکلات داخلی به دخالت‌های جمهوری اسلامی ایران،
- ارسال پیام به معترضان داخلی مبنی بر اتخاذ مشت آهنین در قبال گسترش اعتراضات،
- حفظ وضع موجود در بحرین،
- پیشگیری از به قدرت رسیدن یک دولت شیعی در بحرین،
- تحریک جمهوری اسلامی ایران برای ورود به تقابل نظامی در بحرین.

جمهوری اسلامی ایران باید به دقت سناریوهای مختلف آمریکا و عربستان را در بحرین و همچنین شیب و سرعت خیزش‌های مردمی در این کشور را از منظر امنیت ملی بررسی کند. زیرا به صورت غیرمستقیم بر ضریب احتمال سناریوی حمله نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیرگذار است. در این راستا هرگونه افزایش جهشی در توسعه روابط با قاهره، می‌تواند بخشی از شیب تهدیدات ائتلاف ریاض با بحرین، امارات و کویت را کمرنگ‌تر کند. به‌ویژه با توجه به ابراز تمایل قاهره برای از سرگیری روابط، تهران باید بازتعریف مجددی از نوع روابط خود با این کشور داشته باشد. از طرفی درخواست بزرگ‌ترین حزب شیعه بحرین - حزب الوفاق - برای شکل‌گیری نظام سلطنتی مشروطه که نقش شیعیان را در روند تقنینی، اجرایی و قضایی این کشور افزایش دهد، می‌تواند اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر معادلات امنیتی خلیج فارس را افزایش دهد.

مراکز پژوهشی آمریکا نیز با تهیه گزارش‌های جهت‌دار، نقش مهمی را در برجسته شدن اهمیت خیزش‌های مردمی بحرین یا افزایش وزن بار روانی ایران‌هراسی در خلیج فارس ایفا می‌کنند. برای

1. U.S. Fifth Fleet



مثال «جرج فریدمن»^۱ رئیس «مرکز پیش‌بینی‌های راهبردی آمریکا»^۲ با تهیه گزارشی با عنوان «بحرین و نبرد میان ایران و عربستان سعودی»^۳ معتقد است، با توجه به خیزش‌های شکل گرفته، واشنگتن باید با استناد به نظریه دولت ناکارآمد و مانور تبلیغاتی بر احتمال گسترش بی‌ثباتی و تهدید صلح و امنیت در منطقه، حضور نظامی خود را در عراق تمدید نماید. در غیر این صورت جمهوری اسلامی ایران ابزارهای لازم برای پر کردن خلأ قدرت در این کشور را دارد. این گزارش به عربستان هشدار داده سرنگونی حکومت بحرین موجب افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و جسارت شیعیان عربستان سعودی می‌شود.^۴

این سناریو محتمل است که عربستان با رویکرد بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران، حمایت خود را از گروه‌های تروریستی وهابی و سلفی پاکستان، گروهک‌های معاند یا شبه‌نظامیان کرد مخالف نظام مستقر در شمال عراق برای انجام اقدام‌های تروریستی به‌ویژه در استان‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران مانند کردستان و سیستان و بلوچستان را افزایش دهد. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران باید به دقت تحرکات گروهک‌هایی مانند جندالشیطان، پژاک و گروهک تروریستی منافقین را رصد نماید.

۲-۲. اثرگذاری بر توافقنامه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران با برخی کشورهای عرب

حوزه خلیج فارس

یکی از اولویت‌های اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز و قانون برنامه پنجم، اتخاذ تدابیر لازم برای تقویت منطقه‌گرایی است. در این رابطه، ارزیابی دقیق یا خطای استراتژیک نهادهای ذیربط از مسیر و نتایج امواج شکل گرفته از خیزش‌های مردمی منطقه، می‌تواند در میان‌مدت روند همگرایی یا واگرایی را تسریع نماید.

تشابه برخی خواسته‌های معترضان با ویژگی‌های نهضت انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران و از طرفی ماهیت استبدادی نظام پادشاهی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و نظام شاهنشاهی پهلوی، موجب نگرانی حاکمان مستبد این کشورها نسبت به الگوپذیری معترضان از مدل انقلاب اسلامی ایران شده است که این خود به یکی از عوامل واگرایانه بین جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شده است.

یکی از پیامدهای گسترش خیزش‌های مردمی به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، افزایش

1. George Friedman

2. Strategic Forecasting Center

3. Bahrain & the Battle Between Iran& Saudi Arabia

۴. برای مشاهده متن کامل گزارش مرکز پیش‌بینی‌های راهبردی آمریکا به نشانی اینترنتی زیر رجوع شود:

George Friedman, "Bahrain & the Battle Between Iran& Saudi Arabia", <http://www.stratfor.com>, 8 March, 2011.



تنش‌های لفظی آنان با جمهوری اسلامی ایران است که به دلیل تأثیرپذیری حاکمان سنی این کشورها از آینده‌های تبلیغاتی ایران‌هراسی - شیعه‌هراسی و فرافکنی دلایل خیزش‌ها به نظریه توطئه، این سناریو محتمل است که روابط آنان با جمهوری اسلامی ایران از مرحله تنش به قطع روابط منجر شود که مصداق آن را می‌توان در رفتارکاری بحرین و کویت (به بهانه جاسوسی دو تبعه ایرانی برای سپاه پاسداران) مشاهده کرد.

مجلس هشتم شورای اسلامی تاکنون لوایح امنیتی متعددی را پیرامون همکاری‌های دوجانبه امنیتی با کویت، بحرین، قطر و عمان به تصویب رسانده است. در متن اکثر این نوع از موافقتنامه‌ها، شرطی قید شده که هرگاه طرفین مصالح عالی خود را در مخاطره ارزیابی کنند، اجرای توافقنامه متوقف می‌شود که این موضوع می‌تواند به توافقنامه همکاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران با بحرین نیز سرایت کند.^۱

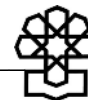
از طرفی از اول آوریل ۲۰۱۱، سرلشگر «عبداللطیف بن راشد الزیانی» از بحرین به جای «عبدالرحمن العطیه» از قطر به مسئولیت دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس انتخاب شده است که با توجه به قطع روابط تهران و منامه، احتمال افزایش تنش بین جمهوری اسلامی ایران و این شورا وجود دارد.

بخشی از تنش جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس می‌تواند بازتاب خود را در سطوح سازمان‌های بین‌المللی اسلامی مانند سازمان کنفرانس اسلامی یا مجمع مجالس آسیایی نشان دهد.

۳-۲. کاهش اهمیت موضوع هسته‌ای در کوتاه‌مدت

درگیر شدن کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای مهار مشکلات داخلی که از درجه امنیتی بالاتری برای آنان برخوردار است، باعث شده مواردی مانند موضوع هسته‌ای یا بحث ادعای مالکیت امارات بر جزایر سه‌گانه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی در اولویت دوم منافع این کشورها قرار گرفته و تمرکز خود را در مقطع کنونی و حداقل در کوتاه‌مدت به سمت حل تعارضات داخلی و تثبیت موقعیت منطقه‌ای خود متمرکز کنند که از مصادیق آن می‌توان به از دستور خارج شدن موضوع جزایر سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران از اجلاس شورای همکاری خلیج فارس مورخ ۷ مارس ۲۰۱۱ اشاره کرد.

۱. توافقنامه همکاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران با کویت و بحرین با ابلاغ به دولت به ترتیب در ۲ اردیبهشت و ۲۶ دی‌ماه ۱۳۸۸ لازم‌الاجرا شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در اعتراض به کشتار شیعیان بحرین، در ۲۵ اسفند ۱۳۸۹ سفیر خود (مهدی آقا جعفری) را از بحرین فراخواند.



۴-۲. افزایش احتمال تغییر در ساختار امنیتی خلیج فارس

ساختار امنیتی خلیج فارس به صورتی است که هرگونه تغییر معادلات امنیتی آن در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار است. تداوم خیزش‌های مردمی در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، احتمال تغییر ساختار امنیتی - نظامی خلیج فارس را افزایش خواهد داد.

تعمیق و گسترش خیزش‌های مردمی عمان و یمن، سرکوب شیعیان عربستان و ضعف استراتژی همگرایانه در شورای همکاری خلیج فارس برای اتخاذ سیاستی واحد و منسجم در برابر معترضان، بیانگر وجود دو دستگی، ضعف انسجام و غافلگیری این شورا در برابر خیزش‌های شکل گرفته در این کشورهاست. به همین دلیل ائتلاف‌بندی‌های جدیدی در ساختار امنیتی خلیج فارس در حال شکل‌گیری است که در این میان ائتلاف عربستان، امارات، بحرین و کویت با مدیریت ایالات متحده یکی از ساختاربندی‌های احتمالی است.

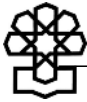
بخشی از برنامه‌های ایالات متحده برای ایجاد بحران‌های موازی در منطقه، با هدف مصرف تسلیحات فروخته شده یا ترغیب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای ورود به رقابت تسلیحاتی سازماندهی می‌شود. براساس گزارش «مؤسسه تحقیقات صلح بین‌الملل استکهلم»^۱ که یکی از مراکز معتبر در زمینه ارائه آمارهای دفاعی است، فروش تسلیحات آمریکا و فرانسه به کشورهای عرب منطقه بین سال‌های ۲۰۰۵ - ۲۰۰۹ به ترتیب با ۵۴ و ۲۱ درصد رشد همراه بوده است.

موفقیت دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس برای مدیریت بحران، می‌تواند نتایج زیر را به همراه داشته باشد:

- افزایش احتمال انعقاد توافقنامه‌های نظامی - امنیتی این کشورها با آمریکا و ناتو که می‌تواند در ردیف تهدیدهای راهبردی تلقی شود. برای مثال این موضوع در مورد بحرین که زمانی جزئی از سرزمین ایران بوده و در تحولات اخیر نیز با تهدید جدی خیزش شیعیان کشور خود مواجه بوده بیشتر است. این نیاز روانی در مورد کشورهای عربستان و امارات نیز وجود دارد.

- کمرنگ‌تر شدن شکل‌گیری نظام امنیت بومی و مشارکتی در خلیج فارس.

تأثیرپذیری برخی کشورهای عرب منطقه از ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، عدم توازن قدرت بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و احساس آسیب‌پذیری کشورهای کوچک‌تر، وجود بحران مشروعیت و مشارکت و عدم ثبات سیاسی - امنیتی در این کشورها برخی دلایلی هستند که روند شکل‌گیری الگوی امنیت بومی پایدار و خروج نیروهای نظامی آمریکا در منطقه را کمرنگ‌تر از گذشته می‌کند، البته این حالت در شرایطی اتفاق می‌افتد که دولت‌های فعلی با سرکوب یا مدیریت عقلایی بتوانند بحران را کنترل کنند که این رویکرد تنها در کوتاه‌مدت جوابگو خواهد بود ولی در



میان‌مدت آمریکا و دولت‌های فعلی با در اختیار داشتن زمان بیشتر ناچارند به سمت بازتعریف ساختارها و روش‌ها حرکت کنند.

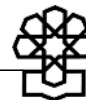
مدل هژمونیک، مدل بلوک‌های زیرمنطقه‌ای، مدل سلسله‌مراتبی، مدل موازنه، الگوی امنیت وارداتی (نیابتی) مهمترین الگوهای احتمالی ساختار امنیتی خلیج فارس هستند. خیزش‌های مردمی خاورمیانه باعث کمرنگ‌تر شدن مدل هژمونیک شده است. در این الگو ایالات متحده با مدیریت نظام منطقه‌ای خلیج فارس، هزینه‌های انتظام‌بخشی را میان بازیگران منطقه سرشکن می‌کند.

مدل بلوک‌های زیرمنطقه‌ای از الگوهایی است که احتمال تحقق آن افزایش می‌یابد. در این مدل ساختار دفاعی خلیج فارس به چند زیربلوک در قالب توافق‌های امنیتی دوجانبه یا سه‌جانبه تقسیم می‌شود و هر بلوک متناسب با شرایط محیطی، ترتیبات امنیتی خاص خود را پیاده‌سازی می‌کند. این احتمال وجود دارد که عربستان، بحرین، امارات و کویت به‌عنوان یکی از بلوک‌های زیرمنطقه‌ای خلیج فارس ائتلاف‌بندی جدیدی را تشکیل دهند.

مدل موازنه نیز از مدل‌هایی است که آمریکا و متحدانش خواهان استقرار آن در خلیج فارس هستند. خیزش‌های مردمی باعث افزایش اقتدار جمهوری اسلامی ایران و به چالش کشیده شدن قدرت عربستان در معادلات امنیتی خلیج فارس شده است و آمریکا برنامه‌ریزی می‌کند با ایجاد ائتلاف‌های جدید موازنه قوا را به‌نفع خود تغییر دهد. همزمان واشنگتن برنامه‌ریزی می‌کند تحقق الگوی امنیت وارداتی (نیابتی) را نیز پررنگ‌تر کند.

در این الگو کشورهای عرب شورای همکاری خلیج فارس به غیر از عربستان از عمق پایین استراتژیک برخوردارند و هرگونه کمرنگ شدن نقش آمریکا در ساختار دفاعی منطقه را با منافع امنیت خارجی خود در تضاد می‌دانند.

دورنمای ساختار امنیتی خلیج فارس پس از خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان به‌صورت نمودار ذیل نشان داد:



نمودار ۱. روندکاوی عوامل تأثیرگذار بر ساختار امنیتی خلیج فارس

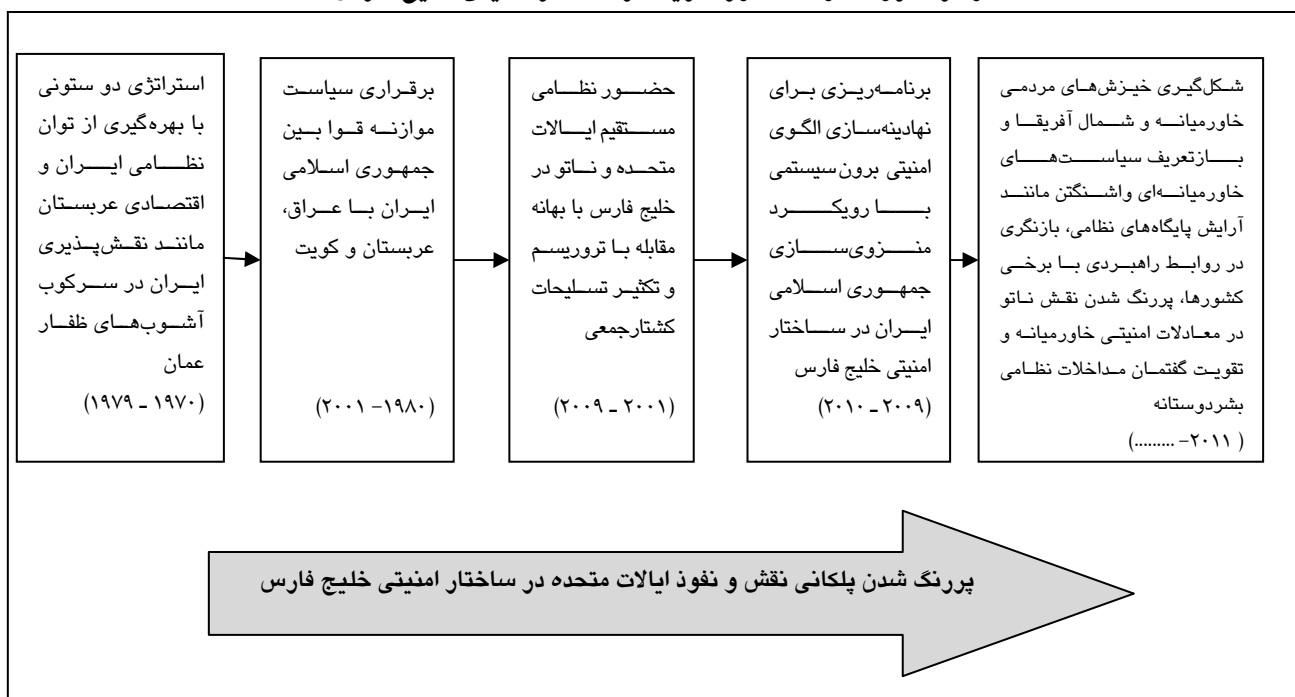
پس از خیزش‌های مردمی خاورمیانه

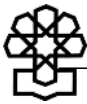


مهمترین سیاست‌های آمریکا در ساختار امنیتی خلیج فارس در چند دهه گذشته را می‌توان

به‌صورت نمودار ذیل نشان داد:

نمودار ۲. روندکاوی حضور آمریکا در ساختار امنیتی خلیج فارس





مزیت‌ها و تهدیدهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در ساختار خاورمیانه جدید متفاوت است و به تبع مسیر و جهت این تحولات، تغییراتی را در اولویت‌ها و خط‌مشی حاکم بر سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران به وجود خواهد آورد.

هرچند تنش‌های لفظی جمهوری اسلامی ایران با برخی دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس بیشتر شده ولی سرمایه‌گذاری تهران بر مردم منطقه متمرکز شده است که اعلام همبستگی با شیعیان بحرین و بیانیه مجلس شورای اسلامی در محکومیت مداخله عربستان در امور داخلی بحرین در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

یکی از مواردی که باید مورد توجه نهادهای ذیربط قرار گیرد، پیامدهای خیزش‌های اسلامی به‌ویژه مصر و اردن بر دورنمای جهت‌گیری سیاست‌های امنیتی رژیم صهیونیستی است.

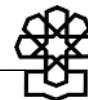
۵-۲. اثبات رویکرد گزینشی آمریکا برای دفاع از هنجارهای بشردوستانه

یکی از موارد قابل تأمل خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا این است که به غیر از لیبی تمام آنها در کشورهایی به وقوع پیوسته که حاکمان آنها به شدت مورد حمایت آمریکا و غرب بوده‌اند که این خود یکی از دلایل کاهش شدید جایگاه آمریکا در میان ملت‌های منطقه است.

برخورد دوگانه آمریکا برای دفاع از حقوق معترضان مردم یمن و بحرین در قیاس با لیبی (تسلیح معترضان و صدور قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت) و صدور قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران در بحبوحه نقض آشکار حقوق مردم بحرین و یمن به وضوح نوعی پارادوکس را در سیاست‌های اعلانی و اعمالی آمریکا نشان می‌دهد.^۱

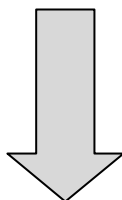
حمایت گزینشی آمریکا از خیزش‌های مردمی منطقه را می‌توان در سه رویکرد زیر نشان داد:

۱. شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ (چهارم فروردین‌ماه ۱۳۹۰) با صدور قطعنامه‌ای نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را محکوم و تصمیم گرفته شد گزارشگر ویژه‌ای برای تهیه گزارش پیرامون ابعاد نقض حقوق بشر منصوب شود. برخورد گزینشی با مقوله نقض حقوق بشر همزمان با نقض حقوق معترضان در یمن، بحرین، لیبی و اردن انجام شد. پیشتر «رینالدو گالیندوپل» و «موریس کاپیتورن» گزارشگران ویژه سازمان ملل پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران بین سال‌های ۱۹۸۴-۲۰۰۲ بودند.



شکل ۱. رویکردهای گزینشی آمریکا در قبال خیزش‌های مردم منطقه

| مخالفت با خیزش‌های مردمی | رویکرد بینابینی | حمایت از خیزش‌های مردمی |
|--|---|---|
| در حوزه‌هایی که هرگونه تغییر وضع موجود، منافع واشنگتن را به مخاطره می‌افکند، ارزش‌های بشردوستانه به شدت جایگاه خود را در سیاست خارجی آمریکا از دست می‌دهند که می‌توان به چراغ سبز واشنگتن به عربستان و دولت بحرین برای سرکوب شیعیان یا گزینش استراتژی سکوت در برابر کشتار مردم یمن اشاره کرد | مانند رویکرد واشنگتن در قبال اعتراضات اردن و کویت به طوری که از یک طرف از معترضان حمایت می‌کند ولی از طرف دیگر به دولت‌های حاکم تضمین می‌دهد شرایط موجود را حفظ کند | مانند سوار شدن بر امواج اعتراضات مردم مصر و تونس با هدف پیشگیری از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان یا حمایت از معترضان سوریه با هدف وادار سازی این کشور به تغییر رفتار یا بازنگری در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان |



اثبات رویکرد گزینشی ایالات متحده در قبال خیزش‌های مردمی منطقه و ابزاری بودن گفتمان حمایت از حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکا

۶-۲. افزایش اهمیت شبکه‌های اجتماعی در معادلات امنیت داخلی و منطقه‌ای

«یورگن هابرماس»^۱ با طرح نظریه دگرگونی ساختاری حوزه عمومی استدلال می‌کند که می‌توان از اینترنت برای ایجاد فشارهای اجتماعی استفاده کرد. ساختار نامنسجم اینترنت، این امکان را برای معترضان فراهم کرده از ظرفیت‌های فضای وب در جهت برگزاری تجمعات و سازماندهی اعتراضات استفاده کنند، به طوری که نقش «شبکه‌های اینترنتی اجتماعی»^۲ مانند فیس‌بوک و تویتر در سازماندهی اعتراضات مصر، تونس، بحرین، عربستان سعودی، لیبی و اردن بسیار چشمگیر بوده است.^۳

شبکه‌های اجتماعی، سایت‌هایی هستند که در آنها تولید محتوا یا فعالیت کاربران از حالت

1. Jurgen Habermas

2. Social Networking Websites

3. Unrest in North Africa and the Middle East, <http://www.nationaljournal.com>, 13 March, 2011.



یک طرفه بیرون آمده و کاربران نیز در تولید محتوا مشارکت داشته و عقاید و نظرات خود را در قالب متن و تصویر به اشتراک می‌گذارند.

مهمترین شبکه‌های اجتماعی که اعتراضات کشورهای عرب منطقه را پوشش تصویری می‌دهند، عبارتند از:

جدول ۴. شبکه‌های اجتماعی منعکس‌کننده اعتراضات کشورهای عرب خاورمیانه و شمال آفریقا

| Twitter | Youtube | Face book |
|------------------|--------------|---------------|
| Flickr | Bed | Boltcom |
| Bigshot Hotshut | Wasabi | Big Tent |
| Multiplay | Google Buzz | Nyves |
| Gossip reportcom | My Year book | Inter Nations |
| Itsmymy | Jalka | A small world |

یکی از عواملی که نقش محوری را در انتقال غیررسمی تحولات منطقه ایفا کرده است، شکل‌گیری خبرنگار شهروندمحور است. به دلیل اینکه منبع ارسال این تصاویر و اخبار چندان معلوم و مشخص نیست، لذا اعتبار آنها مورد تردید است، با این وجود شبکه‌های اجتماعی این تصاویر را به دلایل دستیابی به اهداف سیاسی و مدیریت افکار عمومی منعکس می‌کنند. ارسال تصاویر و اخبار توسط شهروندان عادی با استفاده از ساده‌ترین وسیله ارتباطی یعنی تلفن همراه و با کمترین اطلاعات در مورد ابعاد مختلف حادثه صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه تصاویر ارسالی شهروندان از درون حادثه ارسال می‌شود، به‌رغم غیرحرفه‌ای بودن از اثربخشی بالایی برخوردارند، به طوری که یکی از دلایل مهم به ثمر نشستن خیزش‌های مردم مصر و تونس، سازماندهی مجازی معترضان از طریق شبکه‌های اجتماعی «یوتیوب، تویتر، فلیکر و فیس‌بوک»^۱ و بسیج افکار عمومی از طریق به تصویر کشاندن برخوردهای خشن پلیس ضدشورش با معترضان بود.^۲

۲-۷. افزایش آینده‌های تبلیغاتی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

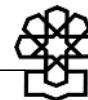
اتاق‌های فکر ایالات متحده از سال‌ها قبل آینده‌پژوهی امنیت‌محور پیرامون دورنمای جغرافیای سیاسی شیعه را به‌عنوان یکی از اولویت‌های مطالعاتی خود تعریف کرده‌اند. برای مثال مرکز پژوهش‌های «شورای روابط خارجی»^۳ که اثرگذاری قابل توجهی بر کانون‌های قدرت و ساختارهای حاکمیتی دارد، در ۵ ژوئن ۲۰۰۶ میزگردی را با عنوان «بررسی هلال شیعه: آثار آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا» به ریاست «ریچارد هاس»^۴ برگزار کرد و یکی از نتایج آن این بود که

1. You Tube, Twitter, Flickr, Facebook

2. Social Networking Spurs Egypt Unrest, <http://www.media.brockpress.com>, 8 Feb, 2011.

3. Council on Foreign Relations

4. Richard N. Hass



جغرافیای سیاسی شیعه در خاورمیانه، پتانسیل بالایی را برای شکل‌گیری برخی خیزش‌های دمکراتیک در میان‌مدت دارد که می‌تواند در برخی حوزه‌ها، اصطکاک‌هایی با منافع خاورمیانه‌ای آمریکا داشته باشد.^۱

شیعه‌هراسی در سطوح دیپلماسی رسانه‌ای نیز دنبال می‌شود. به طوری که شبکه‌هایی مانند العربیه، الشرق الاوسط، فاکس نیوز، سی.ان.ان، خبرگزاری فرانسه و بی.بی.سی بخشی از سناریوی ایران‌ستیزی را از طریق ترفند شیعه‌هراسی دنبال می‌کنند.

آمریکا معتقد است به‌کارگیری دیپلماسی عمومی پیرامون هلال شیعه از ظرفیت بالای تنش‌زایی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عرب منطقه برخوردار است. به طوری که یکی از راهکارهای ایالات متحده برای مزیت‌سازی امنیتی از ناآرامی‌های منطقه، دامن زدن به سناریوی ایران‌هراسی است و پیش‌بینی می‌شود در کوتاه‌مدت بر دامنه و برد آن افزوده شود.

ایالات متحده در فتنه پس از انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری به سمت ایجاد بحران موازی در داخل کشور همسو با پررنگ کردن موضوع هسته‌ای در شورای امنیت حرکت کرده بود که با آشکار شدن ریشه‌های فتنه، واشنگتن برنامه‌ریزی می‌کند با به‌کارگیری ترفند کاریکاتوریسم تبلیغاتی و انعکاس تصاویر مجازی از نقش ایران در بروز خیزش‌های مردمی و خودجوش منطقه، بحران‌های موازی برای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس به وجود آورده و بخشی از توانمندی جمهوری اسلامی ایران را به سمت تعارض با دولت‌های سنی عرب منطقه رهنمون سازد. برای مثال وزیر دفاع آمریکا در ۱۲ مارس ۲۰۱۱ با به‌کارگیری ترفند تبلیغاتی نزدیک بودن آستانه تهدید ایران، مدعی شد «رهبران بحرین باید به صراحت برخی اصلاحات را آغاز کنند در غیر این صورت با ریسک مداخله ایران مواجه می‌شوند».^۲

یکی دیگر از ترفندهای واشنگتن برای فرصت‌سازی از قبل تحولات منطقه، به‌کارگیری ترفند مستندسازی جعلی شایعات بدون ارائه مدارک معتبر است. برای مثال وزیر دفاع آمریکا در ۶ آوریل ۲۰۱۱ (۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۹۰) در دیدار با پادشاه عربستان و در فاصله‌ای کمتر از سفر خاورمیانه‌ای خود مدعی می‌شود «ما شواهدی داریم که ایران در تلاش برای بهره‌برداری از اوضاع بحرین و تسری اعتراضات به سایر کشورهاست».

اظهارات فوق‌الذکر مبین این واقعیت است که با توجه به حساسیت ریاض بر موضوع بحرین، واشنگتن برنامه‌ریزی می‌کند از این نیاز عربستان در راستای تثبیت حضور خاورمیانه‌ای خود استفاده کند. برای مثال در بحبوحه این خیزش‌ها و اوج ذهنیت ایران‌هراسی در میان حاکمان

۱. برای مشاهده متن کامل میزگرد به نشانی اینترنتی مرکز پژوهشی شورای روابط خارجی آمریکا رجوع شود:

The Emerging Shia Crescent Symposium: Implications for U.S. Policy in the Middle East, <http://www.cfr.org/>, 5 June, 2006.

2. Bahrain: Gates urges reform to keep Iran at bay Amid Renewed, www.latimes.com, 12 March, 2011.



عربستان سعودی، واشنگتن پیشنهاد می‌دهد برای مقابله با تهدیدهای موشکی جمهوری اسلامی ایران، هرچه سریع‌تر «سامانه‌های رهگیر موشکی پاتریوت و تاد»^۱ در این کشور مستقر شوند.^۲ این موضوع یکی از کدهایی است که برنامه‌ریزی واشنگتن برای تغییر موازنه نظامی با بهره‌گیری از ایران‌هراسی را نشان می‌دهد.

یکی از نکات قابل تأمل این است که در رایزنی‌های منطقه‌ای آمریکا، نقش پنتاگون و ستاد مشترک ارتش بسیار پررنگ‌تر از دستگاه سیاست خارجی است که این موضوع می‌تواند وجود برخی سناریوهای نظامی را در خاورمیانه پررنگ نماید.

«فیصل الغایز» رئیس مجلس نمایندگان اردن نیز در کویت مدعی شد «هلال شیعه ایرانی در حال تبدیل شدن به ماه کامل است» و خواستار اتخاذ موضع واحد کشورهای عربی در قبال ایران شد. مصداق دیگر می‌توان به اظهارات وزیر دفاع انگلیس - ویلیام فاکس - اشاره کرد. وی با به‌کارگیری ترفند تهدیدسازی مجازی مدعی شده «در صورتی که جمهوری اسلامی ایران برنده تحولات کنونی منطقه شود، نه تنها برای منطقه، بلکه برای امنیت جهان تهدیدزا خواهد بود». این‌گونه اظهارنظرهای خصمانه کدهایی هستند که سناریوی تولید تهدید برای جمهوری اسلامی ایران با مانور تبلیغاتی بر جغرافیای سیاسی شیعه یا ایران‌هراسی را پررنگ‌تر می‌کند.

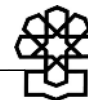
۸-۲. تغییر آرایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه جدید و شمال آفریقا

نقطه عطف تغییرات سیاسی شمال آفریقا با حمایت ایالات متحده از تقسیم سودان به دو قسمت شمالی و جنوبی در قالب برگزاری همه‌پرسی در ۹ تا ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز و با برکناری «زین العابدین بن علی» و «حسنی مبارک» رؤسای جمهور تونس و مصر و احتمال شکل‌گیری منطقه خودمختار در شمال لیبی وارد فاز جدیدی شده است که بر تراکم و موقعیت پایگاه‌های نظامی آمریکا در شمال آفریقا به‌ویژه شاخ آفریقا تأثیرگذار است. در مجاورت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران نیز از لحاظ جغرافیای نظامی؛ بحرین، کویت و قطر برای آمریکا از اهمیت ویژه برخوردارند. بحرین محل استقرار فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی، کویت محل استقرار فرماندهی منطقه‌ای نیروی زمینی و قطر نیز محل فرماندهی نیروی هوایی منطقه‌ای آمریکاست.

اهمیت حفظ پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، هنگامی بیشتر می‌شود که واشنگتن متعهد شده است تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ نیروهای نظامی خود را از عراق خارج کند. مذاکره وزیر دفاع ایالات متحده با مقام‌های عراقی در ۸ آوریل ۲۰۱۱ (۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۰) پیرامون

1. Patriot Missile Interceptors & the Terminal High – Altitude Area Defence System

2. Defense Chief on Mission to Mend Saudi Relations, <http://www.nytimes.com>, 6 April, 2011.



آمادگی آمریکا برای تداوم حضور در عراق پس از پایان سال ۲۰۱۱، ناشی از اهمیت حفظ پایگاه‌های نظامی آمریکا و تغییر اولویت‌بندی عرصه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی آمریکا در منطقه است.^۱ مهمترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس عبارتند از:

جدول ۵. پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس

| کشور میزبان | نام پایگاه | نام لاتین |
|-------------|---|-----------------------------------|
| عربستان | پایگاه هوایی سلطان عبدالعزیز در ظهران | King Abdul Aziz Air Base, Dhahran |
| | پایگاه هوایی ملک فهد در طائف | King Fahd Air Base, Taif |
| | پایگاه هوایی سلطان خالد | King Khalid Air Base |
| | پایگاه هوایی دهکده اسکان | Eskan Village Air Base |
| | پایگاه هوایی ریاض | Riyadh Air Base |
| کویت | پایگاه هوایی احمد الجابر | Ahmad Al Jaber Air Base |
| | پایگاه هوایی علی السالم | Ali Al Salem Air Base |
| | پایگاه هوایی دوحه | Camp Doha Air Base |
| | پایگاه هوایی عدیری | Camp Udairi Air Base |
| | اردوگاه اریفجان | Arifjan Camp |
| امارات | اردوگاه بوهرینگ | Boehring Camp |
| | پایگاه هوایی الظفراء در ابوظبی | Al Dhafra Air Base |
| قطر | پایگاه هوایی العدید | Al Udeid Air Base |
| بحرین | فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده | U.S. Navy Fifth Fleet |
| عمان | پایگاه هوایی مصیره | The Masirah Air Base |
| | پایگاه هوایی نیروی دریایی تومریت | The Thumrait Naval Air Base |
| | فرودگاه بین‌المللی سیب | Seeb International Airport |
| عراق | پایگاه هوایی الطلیل | Tallil Airport |
| | پایگاه هوایی باشور در منطقه خودمختار کردستان عراق | Bashure Airfield |
| | پایگاه هوایی صحرای غربی (معروف به اچ - یک) | Western Desert Airstrip (H-1) |

بحرین پس از سال ۱۹۹۱ به صورت پلکانی همکاری‌های خود با ایالات متحده را افزایش داد، به طوری که بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ مقر منطقه‌ای بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل از عراق بود. تسهیلات بحرین به ایالات متحده پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، به ویژه در «فرودگاه المحرق»^۲، بندر سلمان، «پایگاه هوایی شیخ عیسی»^۳ و پایگاه نظامی «الجفیر»^۴ در نزدیکی منامه افزایش یافته و ناوگان نیروی پنجم دریایی آمریکا در پایگاه نظامی الجفیر مستقر است که نظارت بر خطوط

۱. برای مشاهده متن کامل سخنان وزیر دفاع آمریکا به نشانی اینترنتی پنتاگون رجوع شود:

Gates Wraps Up Iraq Visit, Arrives in UAE, <http://www.defense.gov>, 8 April, 2011.

2. Muharraq Airfield

3. Shaikh Isa Air Base

4. Juffair



کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با بهانه حسن اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، پشتیبانی از نیروهای نظامی آمریکا در عراق و افغانستان، مبارزه با تروریسم و مقابله با دزدان دریایی در دریای سرخ، دریای عمان و خلیج فارس از مهمترین وظایف این مقرر معرفی شده است. ریاست کنونی فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا برعهده دریادار «مارک فاکس»^۱ است که زیر نظر «فرماندهی مرکزی نیروی دریایی آمریکا»^۲ انجام وظیفه می‌کند.

در فوریه ۲۰۰۸ بحرین قرارداد ۶۰ ساله‌ای را با آمریکا برای استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده منعقد کرده است. در این پایگاه ۵۰۰۰ نیروی دریایی آمریکا حضور دارند.^۳ امارات کمترین آمار نیروهای آمریکایی را در خاک خود دارد، اما پس از قطر بیشترین آمار هواپیماهای جاسوسی، سیستم‌های راداری و سامانه‌های موشکی آمریکا در این کشور قرار دارد.^۴ برای مثال «شرکت ریتون»^۵ در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸ (۲۸ آذرماه ۱۳۸۷) با استقرار «سامانه موشکی پاتریوت»^۶ در امارات موافقت کرد و این کشور به یازدهمین دارنده این سامانه موشکی پیوست.^۷ با گسترش خیزش‌های مردمی و تغییر موازنه قوا به نفع جمهوری اسلامی ایران، احتمال انعقاد توافقنامه‌های نظامی - امنیتی جدید بین امارات و ایالات متحده افزایش خواهد یافت.

براساس «نظریه سرزمین حاشیه»^۸ این سناریو پررنگ است که حضور نظامی آمریکا در میان‌مدت در «جمهوری سودان جنوبی»^۹ و لیبی افزایش یابد، به طوری که یکی از دلایل حمایت و اشنگتن از همه‌پرسی تقسیم سودان، مقدمه‌سازی برای تقویت حضور نظامی در جغرافیای استراتژیک شاخ آفریقا است. رایزنی واشنگتن با «سالوا کر مایاردیت»^{۱۰} - اولین رئیس‌جمهور منتخب سودان جنوبی - برای احداث پایگاه هوایی در همین چارچوب ارزیابی می‌شود. در این پایگاه قرار است شماری از هواپیماهای دور پرواز بمب افکن B52، هواپیمای گول پیکر ترابری AOS5-S-141 و

1. Vice Admiral Mark J. Fox

2. U.S. Naval Forces Central Command

۳. برای اطلاع پیرامون امکانات و قابلیت‌های ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا به نشانی اینترنتی فرماندهی مرکزی نیروی دریایی آمریکا رجوع شود:

<http://www.cusnc.navy.mil>

4. "Bahrain", Website of U.S. Department of State, Available Online at <http://www.state.gov/tr/pa/ei/bgn/26414.htm>

5. Fujairah, www.globalsecurity.org/military/facility

6. Raytheon Corporation

7. Patriot Missile System

8. UAE to Buy Raytheon's Patriot Missiles, <http://www.defensenews.com>, 1 Dec, 2008.

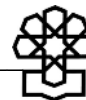
9. Rimland Theory

نظریه سرزمین حاشیه را نیکلاس اسپایکمن (۱۸۹۳-۱۹۴۳) از جغرافیادانان استراتژیست هلندی تبار مطرح کرد. وی در نظریه‌اش بر روابط قدرت بین دولت‌ها و تأثیر جغرافیا بر سیاست تأکید کرد و عقیده داشت سلطه بر حاشیه قاره‌ها و سواحل یکی از الزامات تبدیل شدن به قدرت جهانی است.

تقویت حضور نظامی آمریکا در جنوب شرق آسیا، خلیج عدن، خلیج باب المندب، شاخ آفریقا و تلاش برای تأسیس پایگاه در سودان و لیبی در این چارچوب قابل ارزیابی است.

10. Republic of South Sudan

11. Salva Kiir Mayardit



هواپیمای سوخت‌رسان 135KS برای پشتیبانی از انجام حملات هوایی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مستقر شود. در همین چارچوب دولت جمهوری سودان جنوبی موافقت خود را برای اجاره بخش‌هایی از سرزمین خود به ایالات متحده برای احداث پایگاه نظامی اعلام کرده است. احتمال می‌رود با تحقق این هدف پایگاه بمب‌افکن‌های B52 و هواپیماهای دورپرواز مستقر در جزیره دیه‌گوگاریا در نقاط دوردست اقیانوس هند به پایگاه‌های نظامی آمریکا در شاخ آفریقا که به خاورمیانه نزدیک‌تر است منتقل شود.

یکی دیگر از کانون‌های حضور نظامی آمریکا، کشور یمن است که دو طرف توافقنامه‌های دفاعی و اطلاعاتی را منعقد نموده‌اند. پایگاه‌های نیروی دریایی و هوایی آمریکا در خلیج عدن و خلیج باب المندب، توان نظامی آمریکا را در دریای سرخ افزایش داده است.^۱ یکی از برنامه‌های پنتاگون، احداث مرکز نظامی در «جزیره سوکوترا»^۲ واقع در ۳۶۰ کیلومتری جنوب شرق عدن است که ایجاد و گسترش اعتراضات مردمی، ابهاماتی را در احداث این مرکز به وجود آورده است. به تبع هرگونه تغییر ساختار قدرت و پیروزی احزاب اسلام‌گرا می‌تواند تهدیدی برای تداوم استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور باشد.

اهمیت جغرافیای نظامی یمن برای ایالات متحده به حدی است که کنگره آمریکا در فوریه ۲۰۱۰، کمک ۵۸ میلیون و ۴۰۰ هزار دلاری به یمن را تصویب کرد. کنگره همچنین مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار برای آموزش و تأمین برخی تجهیزات نیروهای امنیتی یمن اختصاص داد.

تأثیر تحولات یمن بر امنیت ملی آمریکا به حدی است که در دستور کار صدودوازدهمین کنگره آمریکا نیز قرار گرفته است. در همین رابطه مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا با ارائه گزارشی به کنگره در ۲۲ مارس ۲۰۱۱، اعلام کرد یمن به سمت سناریوی «دولت ناکام» در حرکت است. این خود مبین این واقعیت است که نظریه دولت ناکام در حال تبدیل شدن به یک ابزار مداخله‌جویانه در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکاست که می‌تواند در میان مدت احتمال مداخله نظامی واشنگتن در برخی کشورهای برخوردار از خیزش‌های مردمی را به وجود آورد.^۳

از طرفی یمن یکی از خاستگاه‌های مهم رهبران القاعده محسوب می‌شود و هرگونه کاهش نظارت آمریکا بر این کشور می‌تواند عقاید ضدآمریکایی را در منطقه گسترش دهد. به طوری که وزیر امنیت داخلی آمریکا در گزارش به کنگره اعلام کرد هرگونه تغییر موازنه قوا در یمن می‌تواند

1. Yemen to Let U.S. Set Up Air Base on its Soil, <http://www.globalresearch.ca/>, 7 Jan, 2010.

2. Socotra Island

۳. برای مشاهده متن کامل گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمریکا پیرامون دورنمای تحولات یمن بر امنیت ملی آمریکا به نشانی

اینترنتی زیر رجوع شود:

Jeremy M. Sharp, "Yemen: Background and U.S. Relations", Congressional Research Service, <http://www.fas.org>, 22 March, 2011



به سیاست‌های ضدتروریستی آمریکا ضربه وارد کند.
 عربستان و مصر نیز از کشورهای هستند که هرگونه بی‌ثباتی در آن می‌تواند موازنه منطقه‌ای را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد.
 به گزارش مرکز پژوهش‌های آمریکا در فوریه ۲۰۰۱، میزان کمک‌های نظامی آمریکا به مصر بعد از جنگ جهانی دوم به صورت زیر بوده است:

جدول ۶. کمک‌های نظامی آمریکا به مصر پس از جنگ جهانی دوم^۱

(ارقام به میلیون دلار)

| سال | کمک نظامی | سال | کمک نظامی |
|-----------|-----------|------|-----------|
| ۱۹۹۷-۱۹۴۸ | ۲۲۳۵۳۵ | ۲۰۰۵ | ۱۲۸۹۶ |
| ۱۹۹۸ | ۱۳۰۰۰ | ۲۰۰۶ | ۱۲۸۷۰ |
| ۱۹۹۹ | ۱۳۰۰۰ | ۲۰۰۷ | ۱۳۰۰۰ |
| ۲۰۰۰ | ۱۳۰۰۰ | ۲۰۰۸ | ۱۲۸۹۴ |
| ۲۰۰۱ | ۱۳۰۰۰ | ۲۰۰۹ | ۱۳۰۰۰ |
| ۲۰۰۲ | ۱۳۰۰۰ | ۲۰۱۰ | ۱۳۰۰۰ |
| ۲۰۰۳ | ۱۳۰۰۰ | ۲۰۱۱ | ۱۳۰۰۰ |
| ۲۰۰۴ | ۱۲۹۲۳ | | |
| | مجموع | | ۳۹۲۱۱۸ |

۹-۲. پررنگ شدن مداخلات بشردوستانه در دکترین امنیتی ناتو

رفتارکاوای نحوه مدیریت آمریکا در قبال خیزش‌های مردم منطقه، مبین برنامه‌ریزی و اشنگتن برای پررنگ کردن نقش ناتو در معادلات منطقه‌ای یا رویه‌سازی مداخلات بشردوستانه این سازمان در ساختار حقوق امنیت بین‌الملل است که برای اولین بار در مورد کوزوو اجرا شد و مداخله ناتو در لیبی با بهانه بازوی شورای امنیت سازمان ملل برای اجرای قطعنامه ۱۹۷۳ و پیشگیری از بروز «فاجعه انسانی»^۲ در همین چارچوب قابل ارزیابی است.^۳ ۱۹ مارس ۲۰۱۱ آغاز عملیات نظامی آمریکا و فرانسه به لیبی است. «آندره فوگ راسموسن، دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی»^۴ در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ (چهارم فروردین ماه ۱۳۹۰) اعلام کرد ناتو فرماندهی نظارت بر منطقه پرواز ممنوع بر

1. Sharp, Jerry M., "Egypt: Background and U.S. Relations", Congressional Research Service, <http://www.fas.org>, P.24.

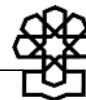
2. Humanitarian Catastrophe

۳. قطعنامه ۱۹۷۳ در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ با ده رأی موافق در برابر ۵ رأی ممتنع روسیه، چین، هند، آلمان و برزیل به تصویب رسید. برقراری منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی، تحریم تسلیحاتی، مسدود کردن دارایی‌های لیبی و برقراری آتش‌بس فوری برخی مفاد قطعنامه بودند.

برای مشاهده متن کامل قطعنامه ۱۹۷۳ به نشانی اینترنتی سازمان ملل رجوع شود:

U.N. Security Council Resolution 1973, <http://www.un.org/news/press/docs/2011/>, 17 March, 2011.

4. NATO Secretary General Anders Fogh Rasmussen



فراز لیبی را به دست می‌گیرد. هرچند ناتو رهبری عملیات نظامی در لیبی را برعهده گرفته است ولی دستیابی به یک توافق جامع به سختی حاصل شد. ابهام پیرامون رفتار لیبی در به‌کارگیری موشک‌های اسکاد، تسلیحات شیمیایی و مجاورت سرزمینی آن با اروپا برخی ملاحظات ناتو در اتخاذ تصمیم منسجم و فوری برای مقابله با معمر قذافی بودند. روندکاوی فعالیت ناتو مبین این واقعیت است که این سازمان درحال بازتعریف کارویژه‌های جدیدی برای خود است.

با توجه به برنامه‌ریزی ناتو برای عضوگیری از کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و تفسیرهای جهت‌دار و نسبی این سازمان از مقوله «آستانه تهدید»^۱ ترسیم نقشه ریسک دورنمای توسعه «کارکردی، ساختاری و جغرافیایی»^۲ ناتو باید به‌عنوان یکی از اولویت‌های مدیریت راهبردی امنیت ملی مورد توجه نهادهای ذیربط قرار گیرد.

رفتارکاوی ناتو بیانگر بازسازی به سمت نقش‌پذیری جهانی است، به‌طوری که این سازمان بین امنیت نظام‌های منطقه‌ای و منافع راهبردی خود، یک رابطه پایدار را تعریف می‌کند.

مقابله با تروریسم بین‌الملل، جلوگیری از مهاجرت‌های غیرقانونی، نظارت‌های دریایی با بهانه عدم تکثیر تسلیحات کشتارجمعی، مقابله با جرائم سازمان‌یافته مانند قاچاق انسان و مواد مخدر، مقابله با دزدی دریایی و نظارت بر آتش‌بس، بخشی از اهدافی محسوب می‌شود که ناتو با استناد به آنها در راستای گسترش برد و تعمیق مداخلات جهانی خود استفاده می‌کند.

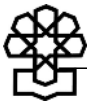
با توجه به افزایش صدور برخی قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی که با ویتترین حمایت از هنجارهای بشردوستانه مزین شده‌اند و همچنین افزایش نقش و حضور ناتو در لایه‌های منظومه امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران، نهادهای ذیربط بایسته است ارزیابی استراتژیکی از نقش مداخلات بشردوستانه یا مقابله با منع تکثیر تسلیحات اتمی در دورنمای دکترین امنیتی این سازمان داشته باشند.

۱۰-۲. ضرورت بازتعریف جغرافیای سیاسی شیعه در ساختار امنیتی خاورمیانه جدید

شیعیان در کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عراق، بحرین و جمهوری آذربایجان از اکثریت جمعیت و در لبنان، سوریه و عربستان دارای جمعیت اقلیت قابل توجه هستند. برای مثال توزیع نامتناسب و ناعادلانه قدرت بین شیعیان و سنی‌ها در بحرین یا بروز ناآرامی در مناطق شیعه‌نشین عربستان برخی دلایلی هستند که اهمیت نقش ژئوپلیتیک شیعه در ساختار امنیتی خاورمیانه را پررنگ‌تر کرده‌اند.

1. Threat Threshold

2. Functional, Structural & Geographical



یکی از بازخوردهای افزایش اهمیت جغرافیای سیاسی شیعه، برنامه‌ریزی کشورهای منطقه برای مدیریت آمایش جمعیتی شیعیان است که احتمال دارد در صورت پایان اعتراضات و باقی ماندن حاکمان فعلی در کانون قدرت، سیاست شیعه‌زدایی و برقراری موازنه جمعیتی بین شیعه و سنی در کشورهایی مانند بحرین یا امارات به صورت جدی دنبال شود. در مقابل افزایش محدودیت‌ها و سرکوب شیعیان بحرین و عربستان سعودی نه تنها احساس همدردی بین شیعیان منطقه را تقویت کرده بلکه تعلق خاطر شیعیان این دو کشور به جمهوری اسلامی ایران را نیز افزایش داده است.

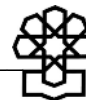
در این میان جایگاه نیروی مقاومت حزب‌الله لبنان نیز در ترتیبات امنیتی منطقه پررنگ شده است و یک سناریوی احتمالی این است که شیعیان بحرین یا معترضان یمنی پس از ناکامی در به‌کارگیری شیوه‌های مسالمت‌آمیز، از شیوه‌های نبرد نامتقارن حزب‌الله برای تحقق آرمان‌های خود استفاده کنند.

۱۱-۲. اشراف نسبی آمریکا از شیب و جهت خیزش‌های مردمی منطقه

یکی از خطاهای استراتژیک آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ این بود که نقش عوامل مذهب و فرهنگ را در معادلات منطقه‌ای به‌خوبی تحلیل نکرده و اصلاحات را در قالب پیاده‌سازی مکتب لیبرال - دمکراسی تعریف کرده بود. درحالی که اصلاحاتی که در خیزش‌های مردمی منطقه مشاهده می‌شود مبتنی بر مبانی اسلامی است.

رفتارکاوای نحوه ارزیابی ایالات متحده از تحولات منطقه به صورت نسبی بوده است. جامعه اطلاعاتی آمریکا نسبت به وجود بسترهای لازم برای بروز اعتراضات مردمی در برخی کشورهای منطقه آگاه بود ولی اشراف اطلاعاتی دقیقی از چهار عامل شیب، سرعت، موقعیت و زمان شکل‌گیری زنجیره خیزش‌های مردمی را نداشت. نهادهای جاسوسی و امنیتی آمریکا پس از خطای ارزیابی پیرامون شیب و سرعت گسترش امواج اعتراضات مردمی، وارد فاز مزیت‌سازی از طریق مدیریت بحران شده‌اند.

به طوری که رایزنی پنتاگون با سران ارتش، مداخله نکردن نیروهای نظامی در سرکوب معترضان، نقش محوری ارتش در برگزاری سریع برخی اصلاحات مانند اصلاح قانون اساسی، محدود شدن حداکثر زمان ریاست‌جمهوری به دو دوره، محاکمه برخی سران دولت حسنی مبارک، برگشت آرامش نسبی بدون قدرت‌گیری جنبش اخوان المسلمین و عدم ایجاد تهدید جدی برای اسرائیل مبین برنامه‌ریزی آمریکا برای مدیریت خیزش مردم مصر است، درحالی که رفتارکاوای آمریکا در قبال تحولات بحرین و یمن مبین غافلگیری نهادهای جاسوسی و امنیتی ایالات متحده از سرعت و شیب گسترش خیزش‌های مردمی است. به همین دلیل در این دو کشور رقابت بازیگران منطقه‌ای و جهانی برای اثرگذاری حداکثری بر معادلات قدرت بیشتر است.



۱۲-۲. پررنگ شدن نظریه دولت ناکام در دکترین امنیتی ایالات متحده

در انگلیس برای اولین بار در سند بازبینی دفاع راهبردی که در جولای ۱۹۹۸ توسط وزیر دفاع به پارلمان این کشور ارائه شد، «دولت‌های ورشکسته» در کنار تسلیحات کشتار جمعی و تروریسم بین‌الملل در ردیف مهمترین تهدیدهای انگلیس معرفی شدند.^۱

نظریه دولت ورشکسته در ایالات متحده پس از حوادث یازده سپتامبر توسط «رابرت راتبرگ»^۲ پررنگ‌تر شد. برای مثال یکی از دلایل آمریکا برای توجیه تداوم حضور نظامی در افغانستان، استناد به این نظریه و تداعی این شائبه است که دولت حامد کرزای از قابلیت و توان لازم برای مقابله با نیروهای شبه‌نظامی طالبان برخوردار نیست. این نظریه در مورد پاکستان و دورنمای عراق نیز به‌کار برده می‌شود. بنابراین، این سناریو محتمل است که در ماه‌های آتی دامنه ناامنی و بمبگذاری‌ها در عراق افزایش یابد تا به بهانه آن واشنگتن خواستار تداوم حضور در این کشور شود.

این احتمال وجود دارد که در صورت گسترش بی‌ثباتی در برخی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، ایالات متحده با پیاده‌سازی «نظریه دولت ورشکسته یا نظریه دولت ناکام»^۳ و ناکارآمد نشان دادن دولت برای استقرار امنیت با بهانه پیشگیری از کشتار غیرنظامیان و استقرار نظم و امنیت، مقدمه حضور نظامی در این کشورها را به‌وجود آورد.

پیاده‌سازی این نظریه در کشورهای عملیاتی می‌شود که ایالات متحده به‌دلیل سرعت تحولات، جایگزین مناسبی برای دولت‌های فعلی مشخص نکرده باشد یا چنین ارزیابی کند که ادامه روند موجود تهدید جدی برای منافع خاورمیانه‌ای آمریکا خواهد بود.

منازعات قومی - فرقه‌ای، افزایش تنش‌های مذهبی، احتمال نفوذ و رشد نیروهای القاعده، ضعف کشورهای عربی برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، افزایش کشتار غیرنظامیان و تهدید امنیت انرژی تنها بخشی از دلایلی هستند که احتمال دارد واشنگتن با استناد به آنها، نظریه دولت ورشکسته را در برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس اجرایی کند.

۱۳-۲. افزایش اهمیت مقوله‌های حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در معادلات امنیت ملی

یکی از دلایل بروز خیزش‌های مردمی شمال آفریقا و خاورمیانه، خودکامگی حاکمان، تشریفاتی نگه داشتن حقوق شهروندی، غفلت از توسعه سرمایه اجتماعی نهادهای حاکمیتی و نبود سوپاپ اطمینان برای انتقال ناراضیاتی که در نهایت تراکم ناراضیاتی‌ها باعث شد خود را به‌صورت انفجاری

۱. برای مشاهده متن کامل سند به نشانی اینترنتی وزارت دفاع انگلیس رجوع شود:

Strategic Defense Review, Presented to Parliament by the Secretary of State for Defense by Command of Her Majesty, <http://www.mod.uk>, July 1998.

2. Robert L. Rotberg

3. Failed State Theory



از مطالبات ساختارشکن نشان دهد. به تبع این تحولات کاتالیزوری خواهد شد تا در میان مدت کشورهای عرب خاورمیانه، نگاه معقولانه‌تری نسبت به تولید امنیت نرم با بهره‌گیری از ذخیره‌سازی سرمایه اجتماعی داشته باشند. تأثیرگذاری مقوله‌های مرتبط با امنیت نرم به حدی است که برخی دولت‌های مستبد عرب منطقه به منظور کاهش اعتراضات، در نوع نگاه خود در قبال حقوق شهروندی مانند قوانین انتخاباتی بازنگری کرده‌اند. برای مثال می‌توان به اصلاحات نظام انتخاباتی مصر و یمن و تشکیل «کمیسیون ویژه انتخابات و همه‌پرسی»^۱ در یمن اشاره کرد.

۱۴-۲. احتمال گسترش خیزش‌های مردمی به جمهوری‌های آذربایجان

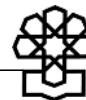
یکی از نواحی که احتمال بروز ناامنی را دارد قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است که اهمیت بالایی را در معادلات امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد. در این راستا بستر بروز خیزش‌های مردمی در جمهوری‌های آذربایجان فراهم‌تر است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به وجود اکثریت شیعه، مجاورت سرزمینی با این کشور، وجود برخی علقه‌های فرهنگی، سنن مشترک و قرابت‌های خویشاوندی و همچنین برنامه‌ریزی آمریکا و رژیم صهیونیستی برای حضور نظامی - اطلاعاتی فعال در جمهوری آذربایجان، بایسته است سناریوهای مختلف بروز ناآرامی در این جمهوری را از منظر امنیت ملی بررسی کند. به تبع بازیگران تأثیرگذار در تحولات جمهوری آذربایجان تفاوت‌هایی را با بازیگران درگیر در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا خواهد داشت. به طوری که نقش روسیه و ترکیه نیز در معادلات امنیتی - سیاسی قفقاز جنوبی پررنگ خواهد بود.

۱۵-۲. افزایش اهمیت جایگاه ایران در تأمین انرژی پایدار

یکی از الزامات سرمایه‌گذاری کشورها برای تأمین انرژی، وجود ثبات سیاسی - امنیتی است. در این راستا اعتراضات مردمی در مناطق نفت‌خیز شیعه‌نشین عربستان، پتانسیل بروز خیزش‌های مردمی در کویت و جنگ داخلی در لیبی، جایگاه و اهمیت جمهوری اسلامی ایران برای تأمین انرژی پایدار را افزایش داده است.

نتیجه‌گیری

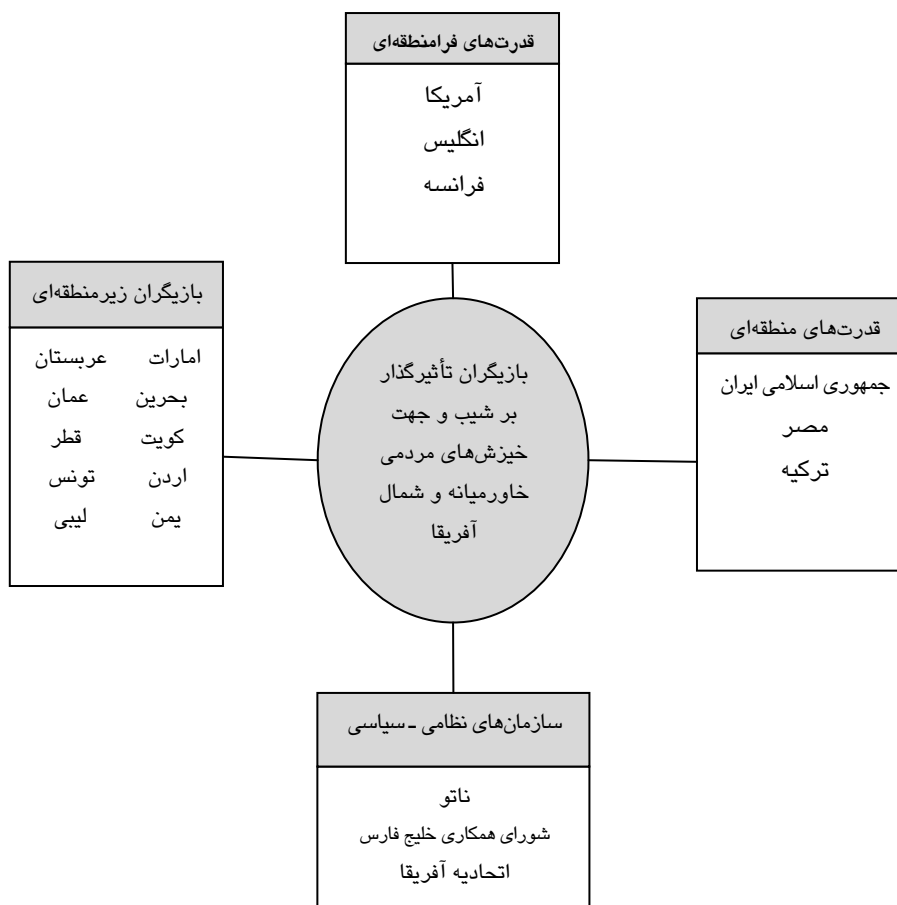
پایامد خیزش‌های مردمی منطقه برای جمهوری اسلامی ایران همانند شمشیر داموکلس دارای فرصت و تهدید است، به طوری که هر نوع حرکت درست استراتژیک می‌تواند تولید فرصت و

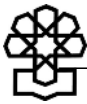


برعکس هر نوع خطای استراتژیک به دلیل عدم ارزیابی دقیق از جنس و ماهیت خیزش‌ها، می‌تواند هزینه‌های بالایی را در بازی شطرنج تحولات منطقه‌ای به نظام تحمیل کند. به همین دلیل نهادهای ذیربط بایسته است گام‌های ذیل را در سیاست راهبردی خود اتخاذ کنند:

گام اول: رصد موشکافانه تمام تحرکات آمریکا، عربستان و سایر بازیگران زیرمنطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران باید در حوزه‌هایی تمرکز کند که دارای مزیت استراتژیک هستند که از مصادیق آن می‌توان به لبنان، عراق، سوریه و بحرین اشاره کرد. تحولات سیاسی در هرکدام از این چهار کشور به صورت توأمان دارای فرصت‌های امنیتی، سیاسی و نظامی است. مصر در درجه دوم اهمیت قرار دارد و دارای فرصت‌های سیاسی است. خیزش مردم یمن نیز از لحاظ فرصت‌های نظامی و احتمال بازنگری آمریکا در آرایش پایگاه‌های نظامی خود برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است.

شکل ۲. بازیگران تأثیرگذار و تأثیرپذیر از خیزش‌های مردمی منطقه





گام دوم: اقدام براساس نظریه بازی‌ها و محاسبه دقیق وزن فواید و هزینه‌های حمایت از دولت‌های کنونی یا جریان‌های مخالف.

در این بخش شناخت دقیق نهادهای ذیربط و متولیان امر از اولویت‌های امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، اشراف اطلاعاتی آنان نسبت به مختصات خیزش‌های مردمی به‌ویژه جنس، ماهیت و اهداف معترضان و بررسی میزان همسویی آن با منافع استراتژیک نظام از اهمیت بالایی برخوردار است.

گام سوم: ترسیم نقشه جامع تهدیدها و فرصت‌ها در ساختار خاورمیانه جدید.

جمهوری اسلامی ایران به‌منظور اولویت‌بندی و تضمین تأمین منافع ملی مطابق با اهداف تعریف شده در افق برنامه پنجم و ایران ۱۴۰۴، باید بازتعریف دقیقی از تهدیدها و فرصت‌های نوین براساس ساختار خاورمیانه جدید داشته باشد.

پیش‌بینی می‌شود در کوتاه‌مدت دور جدیدی از تراکم تهاجم تبلیغاتی با تمرکز بر سپاه‌هراسی در منطقه سازماندهی شود که در صورت غفلت نهادهای ذیربط می‌تواند هزینه‌هایی را به نظام تحمیل نموده و کشور را به سمت تنش‌سازی با کشورهای منطقه سوق دهد. بخشی از پازل جنگ تبلیغاتی آمریکا از طریق تداعی شائبه برنامه‌ریزی سپاه پاسداران برای ایجاد نسخه شبیه‌سازی شده‌ای از حزب‌الله لبنان در بحرین و یمن سازماندهی می‌شود.

ترسیم الگویی پایدار برای حل تعارض در سیاست خارجی و امنیتی متناسب با مختصات بومی منطقه باید به‌عنوان یک اصل مدیریت تنش مورد توجه نهادهای ذیربط قرار گیرد. برای مثال جمهوری اسلامی ایران باید با رویکرد مدیریت پیش‌رویدادی بحران‌های دفاعی، مشخص کند فرض بر بازگشت آرامش در بحرین و عدم تغییر محسوس در این کشور، چه الگویی را برای کاهش تعارض ترسیم کرده است. نهادهای ذیربط همچنین باید در تمام سناریوهای غیرمطلوب، استراتژی خروج از بحران را نیز مشخص کنند.

اقدام دیگری که باید در اولویت‌های پدافند ملی مورد توجه قرار گیرد، هوشیاری، آمادگی و رصد دقیق تحركات گروهک‌های تروریستی به‌ویژه پژاک، جندالشيطان و گروهک منافقین است. زیرا بخشی از پازل بحران‌سازی موازی عربستان و امارات با سرمایه‌گذاری بر این گروه‌ها و با هدف بی‌ثبات‌سازی امنیت استان‌های مرزی به‌ویژه سیستان و بلوچستان و کردستان دنبال خواهد شد. افزایش ناگهانی اقدام‌های تروریستی در کردستان یا انفجار خطوط لوله نفت و گاز می‌تواند با این موضوع مرتبط باشد.

تقویت روابط با قطر، حمایت منطقی و استراتژیک از سوریه و توسعه رابطه با دولت نوری المالکی، تقویت حوزه نفوذ در لبنان و احتمال بازنگری در روابط با مصر، بخشی از استراتژی



جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد موازنه قوا در منطقه محسوب می‌شود. از طرفی توسعه روابط با مصر می‌تواند اشراف اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران از تحولات فلسطین اشغالی را افزایش دهد.

با توجه به اینکه ایالات متحده مدعی است یکی از ابزارهای جمهوری اسلامی ایران برای اعمال نفوذ بر خیزش‌های مردمی بحرین، جنبش مقاومت حزب‌الله لبنان است، این احتمال وجود دارد که آمریکا و عربستان با ایجاد بحران‌های موازی و حمایت از جریان ۱۴ مارس، بخشی از ظرفیت جنبش مقاومت حزب‌الله را به سمت تعارض‌های داخلی یا بروز جنگ داخلی مدیریت کند. به عبارتی خیزش‌های مردمی خاورمیانه باید در قالب تغییرات کلان بررسی شود که بخشی از پازل آن در میان‌مدت، لبنان خواهد بود.

مهمترین حوزه‌های تأثیرپذیر از خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان به صورت تصویر ذیل نشان داد:



شکل ۳. حوزه‌های تأثیرپذیر از خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا





منابع و مأخذ

1. Bahrain, Website of U.S. Department of State, available online at By: <http://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/26414.htm>
2. Bahrain & NATO Sign Security Deal, <http://www.bahrainembassy.org>, 20 May, 2008.
3. Bahrain: Gates Urges Reform to Keep Iran at Bay Amid Renewed, www.latimes.com, 12 March, 2011.
4. Defense Chief on Mission to Mend Saudi Relations, <http://www.nytimes.com>, 6 April, 2011.
5. Fujairah, www.globalsecurity.org/military/facility
6. Gates Tries to Soothe Saudis Rattled by Unrest, <http://www.thestate.com>, 6 April, 2011.
7. Gates Wraps Up Iraq Visit, Arrives in UAE, <http://www.defense.gov/> 8 April, 2011.
8. George Friedman, Bahrain & the Battle Between Iran & Saudi Arabia, <http://www.stratfor.com>, 8 March, 2011.
9. <http://www.cusnc.navy.mil>
10. <http://www.leader.ir/langs/far/>
11. Iran: Morocco's Severing of ties' questionable, <http://archive.arabnews.com>, 8 March, 2009.
12. Jeremy M. Sharp, "Yemen: Background and U.S. Relations", Congressional Research Service, <http://www.fas.org>, 22 March, 2011.
13. Kenneth Katzman, Bahrain: Reform, Security and U.S. Policy, Congressional Research Service Report, <http://www.fas.org>, 21 March, 2011.
14. Mutlaq Bin Salem al – Azima: GCC troops to Stay in Bahrain till Warding off Threats, www.alarabiya.net, 23 March, 2011.
15. Nina M. Serafino, Security Assistance Reform, Background & Issues for Congress, Congressional Research Service, <http://www.fas.org>
16. Office of the Assistant Secretary of Defense, DOD News Briefing with Geoff Morrell from the Pentagon, <http://www.defense.gov>, 5 April, 2011.
17. Partner Countries, <http://www.nato.int/cps/en/natolive/51288.htm>
18. Sharp, Jermy M., "Egypt: Background and U.S. Relations", Congressional Research Service, <http://www.fas.org>
19. Social Networking Spurs Egypt Unrest, <http://www.media.brockpress.com>, 8 Feb, 2011.
20. Strategic Defense Review, Presented to Parliament by the Secretary of State for Defense by Command of Her Majesty, <http://www.mod.uk>, July 1998.
21. The Bahrain Protest, <http://topics.nytimes.com>, 3 April, 2011.
22. The Emerging Shia Crescent Symposium: Implications for U.S. Policy in the Middle East, <http://www.cfr.org/>, 5 June, 2006.
23. U.N. Security Council Resolution 1973, <http://www.un.org/news/press/docs/2011/>, 17 March, 2011.
24. UAE to Buy Raytheon's Patriot Missiles, <http://www.defensenews.com>, 1 Dec, 2008.
25. Unrest in North Africa and the Middle East, <http://www.nationaljournal.com>, 13 March, 2011.
26. Yemen to Let U.S. Set Up Air Base on its Soil, <http://www.globalresearch.ca/>, 7 Jan, 2010.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۷۴۷

عنوان گزارش: خیزش‌های مردمی خاورمیانه و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه مطالعات امنیتی - دفاعی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: مصطفی دلاورپوراقدم، سعید فردی‌پور

ناظران علمی: ناصر جمالزاده، حمید صفری

همکار: سیدحسین حسینی

متقاضی: معاونت پژوهشی

سروراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. خیزش‌های مردمی

۲. تهدیدهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران

۳. تولید امنیت

۴. خاورمیانه و شمال آفریقا

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱/۲۸